

به نام خدا

سیر اندیشه های معماری
خلاصه کتاب معماری معاصر ۱

حسین سلمانی
مهدی قلی پور



معماری معاصر-۱

معماری دهه ۸۰ در جهان

(برگزیدگان مسابقات بین المللی معماری)



دکتر منصور سپهری مقدم

عضو هیئت علمی دانشکده معماری و شهرسازی

دانشگاه علم و صنعت ایران

معماری معاصر - ۱

معماری دهه ۸۰ در جهان

(برگزیدگان مسابقات بین المللی معماری)

دکتر منصور سپهری مقدم

عضو هیئت علمی دانشکده معماری و شهرسازی

دانشگاه علم و صنعت ایران

تهران - پاییز ۱۳۸۴



فہرست

- پیش گفتار ۴
- فصل ۱: موزہ اشتوتگارت ، آلمان **معمار جیمز استرلینگ** ۶
- فصل ۲: اسپری بوگن ، پایتخت جدید کشور آلمان **معمار آکسل شولتز** ۳۲
- فصل ۳: رایشتاگ ، توسعه و تغییر عملکرد ساختمان **معمار سرنورمن فاستر** ۵۴
- فصل ۴: طاق دفانس ، پاریس **معمار یوهان اوتوفون اسپرکلسن** ۶۷
- فصل ۵: لہ کولین ، پاریس **معمار ژان پیر بوفی** ۸۴
- فصل ۶: مرکز اجتماعات بین المللی کانسائی، ژاپن **معمار رافائل وینولی** ۹۹
- فصل ۷: مسجد سفید شریف الدین ، بوسنی **معمار زلاتکو اوگلین** ۱۱۸
- فصل ۸: ترمینال بین المللی جدہ ، عربستان **مشاوران: اسکیدمور، اوئینگز، مریل** ۱۲۷
- فصل ۹: کلیسای روی آب ، ژاپن **معمار تادائو آندو** ۱۳۳
- منابع ۱۴۴



پیش گفتار:

بنا به عقیده صاحب‌نظران و در سطح جهانی آثار معماری ایران در دوران قبل از اسلام و بعد از اسلام جایگاه ویژه‌ای داشته و پژوهشگران و معماران بزرگی چون آرتور پوپ – آوار آلتو لویی کان کنزو تانگه و... آن را ستوده و گاهی متأثر از بعضی آثار قدیمی ایران نیز طراحی نموده‌اند.

حتی بنیه عامیانه ایران نیز از چنان قدرت و جاذبه‌ای برخوردار بوده که پرفسور رونالد راینر با مطالعه و تحقیق و با سفر به گوشه و کنار این سرزمین پهناور معماری متنوع آنرا مورد ستایش قرار داده است.



در سال ۱۹۹۲ فیلیپ جانسون در سخنرانی‌اش در شهر توکیو و در حضور معماران مشهور دنیا ۱۰ اثر معماری را برتر از سایر آثار جهانی دانسته و معرفی می‌نماید. در کنار آثار مهمی همچون پارتئون، پانتئون و..... و با نشان دادن تصاویری از مسجد جامع اصفهان به ستایش آن می‌پردازد.

از معماری امروز جهان نیز باید آگاه بود و بایستی در جریان تحولات معماری قرار گرفت و آنرا شناخت.

هدف اصلی این پژوهش معرفی آثار با ارزش معماری به مهندسين معمار و دانشجویان رشته معماری می‌باشد.



موزه اشتوتگارت-آلمان
جیمز استرلینگ





جیمز استرلینگ

• متولد ۱۹۲۶ در گلاسگو

• فارغ التحصیل مدرسه هنر لیورپول ۱۹۴۲

• فارغ التحصیل مدرسه معماری دانشگاه لیورپول

• فارغ التحصیل شهرسازی دانشگاه لندن ۱۹۵۲

• همکاری با مایکل ویلفورد از سال ۱۹۷۱

• دریافت جایزه برنر از انستیتوی ملی ادبیات و هنرهای آمریکا ۱۹۷۶

• دریافت جایزه آلوار آلتو، هلسینکی ۱۹۷۷

• دریافت دکترای افتخاری از کالج سلطنتی هنر در لندن ۱۹۷۹



- دریافت جایزه معماری شیکاگو ۱۹۸۵
- دریافت مدال توماس جفرسون (آمریکا) ۱۹۸۶
- دریافت جایزه هوگوهارینگ ۱۹۸۸
- دریافت نشان لیاقت امپراطوری (ژاپن) ۱۹۹۰
- درگذشت ۱۹۹۲



مشهورترین کارهایش

- شهر جدید ران کام (۶۷-۷۶)
- ساختمان دانشکده مهندسی دانشگاه لیستر با جیمز گوان (۵۹-۶۳)
- مرکز آموزشی اولیوتی در هاسلمر (۶۹-۷۲)
- گالری جدید دولتی اشتوتگارت با مایکل ویلفورد (۷۷-۸۴)
- (برنده مسابقه معماری در ۱۹۷۷)
- توسعه مدرسه معماری رایس دانشگاه هوستون (۷۹-۸۱)
- موزه ساکлер در دانشگاه هاروارد (۷۹-۸۴)



• مرکز علوم برلین (۷۹-۸۷)

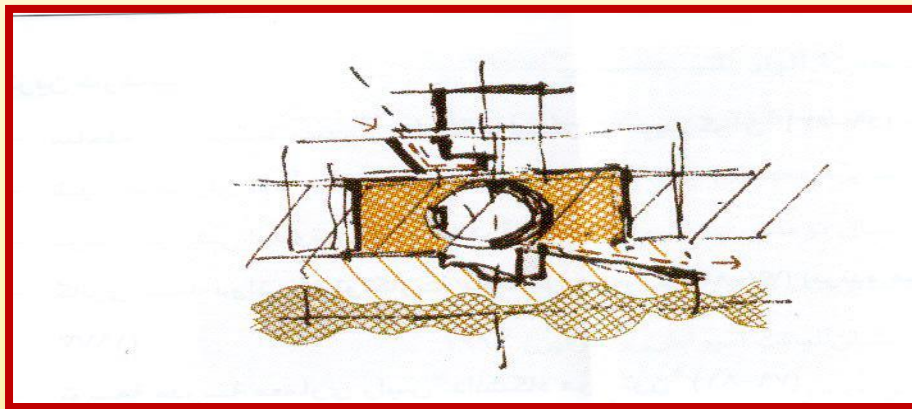
توسعه گالری تت در لندن (۷۹-۸۶)

طرح بازسازی و توسعه کاخ چیتریو در میلان، ایتالیا (۸۷)

گالری جدید تت در لیورپول (۸۴-۸۸)

مرکز هنرهای نمایشی دانشگاه کرنل، نیویورک (۸۳-۸۸)





موزه اشتوتگارت (گالری دولتی جدید) ۱۹۷۷-۱۹۸۴

نظر باینکه اشتوتگارت در جنگ جهانی به سختی بمباران شده و بیشتر ساختمانهای با ارزش آن نیز نابود گردیده بودند، لذا از جمله شرایط مسابقه موزه اشتوتگارت (اشتاتس گالری) این بود که ساختمانهای موجود در سایت همانطور که بودند تا حد امکان حفظ گردیده و شخصیت و هویت خیابانهای اطراف نیز محفوظ بماند.

به همین علت این ساختمانها دو باره بازسازی شدند. از جمله این ساختمانها، یک ساختمان نئوکلاسیک بود که در کنار این سایت قرار داشت و یک خیابان با موزه جدید فاصله داشت. حفظ و نگهداری این بنای نئوکلاسیک و استفاده از سبک آن در بنای جدید، جزء اهداف اصلی این مسابقه بود.

شهرت حیرت آوری که موزه اشتوتگارت را به مقام اول موزه های آلمان رسانده در پرده اسرار باقی مانده است. بعضی ها موفقیت این پدیده را به خاطر شکل پست مدرنیسم موفق آن بحساب می آورند و بعضی دیگر این موفقیت عمومی را در ایجاد یک مکان شهری در قلب ساختمان می دانند که بطور تحسین برانگیزی از وضعیت جغرافیایی و معماری شهر بهره گرفته است. گو اینکه مهمترین سئوالی که این ساختمان برمی انگیزد، سبک معماری آنست. به مجرد انتخاب جیمزاسترلینگ بعنوان برنده مسابقه، بحث های داغی بین مدرنیست ها (نظیر بنیش و فرای اتوی آلمانی). کسانی که توسط این مدرنیست ها متهم به طرفداری از تاریخ و سبکهای قدیمی شده اند در گرفت.

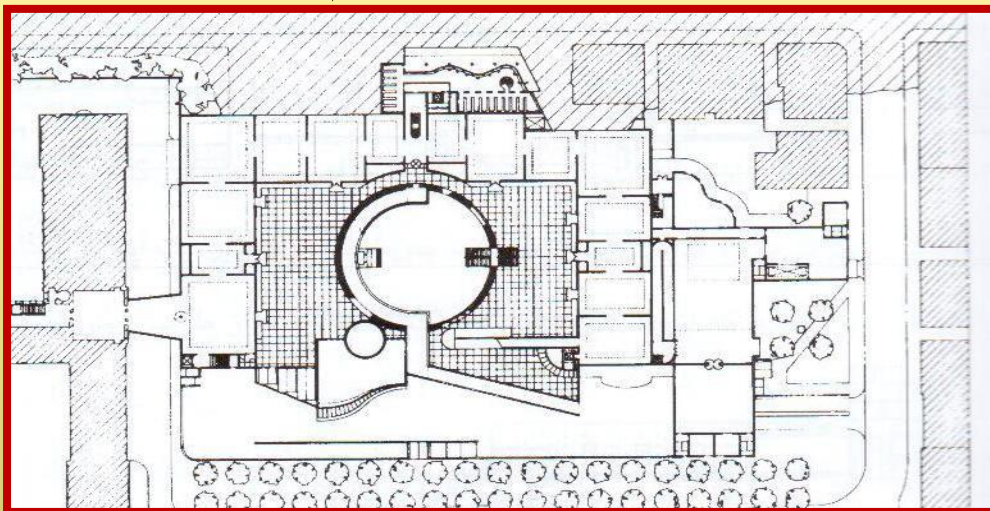




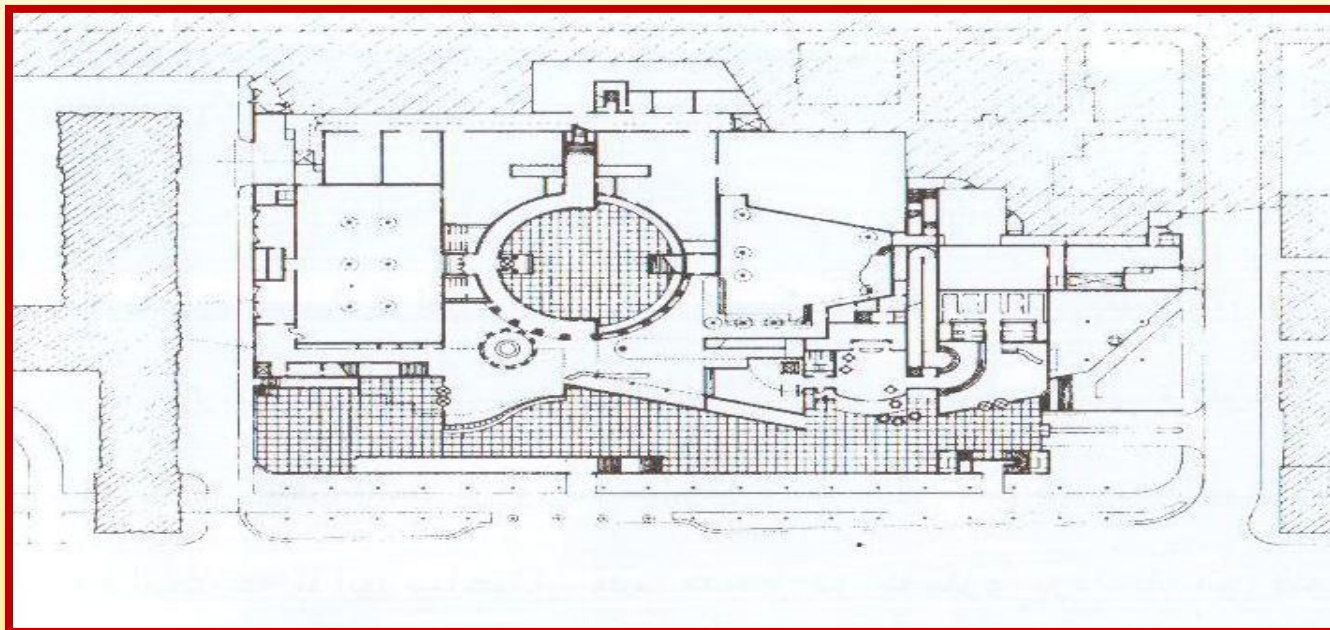
منظره عمومی ساختمان موزه در میانه روز



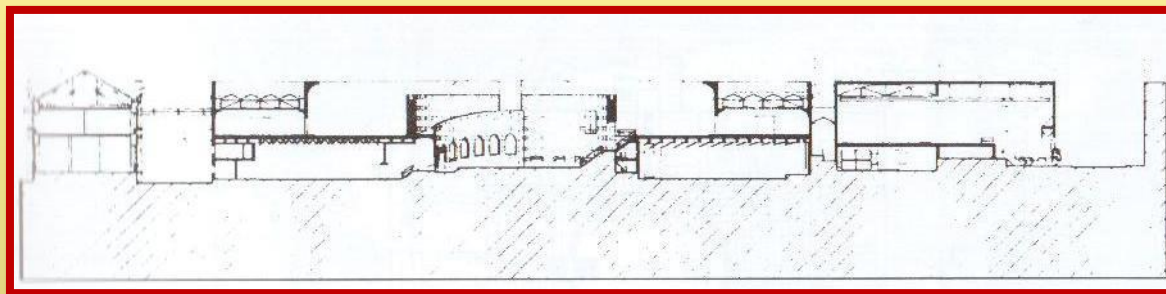
همچنین باید اذعان کرد که پروژه موزه اشتوتگارت مجموعه ای از انتقادات بر علیه معماری مدرن را نیز متبلور می سازد. برای طرفداران وی رد اتهامات مخالفین (که وی را متهم به ظاهر پرستی، تشریفات، طرفداری سبک قدیمی، انحصارگرایی، استفاده از سبک آکادمیک می کنند) کار آسانی است که می توانند متقابلاً متذکر شوند که این پروژه کاملاً نیازهای شهری، علمی و فرهنگی را که برای موزه جدید در نظر گرفته شده است برآورده ساخته و حاصل جمع کیفیت های پروژه نیز در این جمله خلاصه شده است که با این ساختمان قدم جدیدی در معماری برداشته می شود.



پلان گالری



پلان سطح ورودی و تراس مشرف به خیابان مجاور



برش طولی موزه



در واقع موزه اشتوتگارت مجموعه ای از ارتباطات در معماری است. بر خلاف پاره ای از معماران پست مدرنیست که به معماری تنها بعنوان یک سیستم ساده علامت می نگرند، جیمز استرلینگ با روش خاص خود فضاها و حجم ها را در معماری بکار می گیرد.

در مقیاس شهری، موزه جدید علاوه بر اینکه مجموع بناهای موجود را تقویت می کند، بعد شهری جدیدی نیز به مرکز مکان ایجاد پروژه می دهد. ساختمان جدید شکل بناهای قدیمی را بخود می گیرند. از نقطه نظر فرم، معمار بطور ظریفی با شکلی بصورت U بازی می کند تا به آن نقشی با کیفیت شهری بدهد،(این شکل قبلا در موزه قدیمی اشتاتس گالری وجود داشته است)

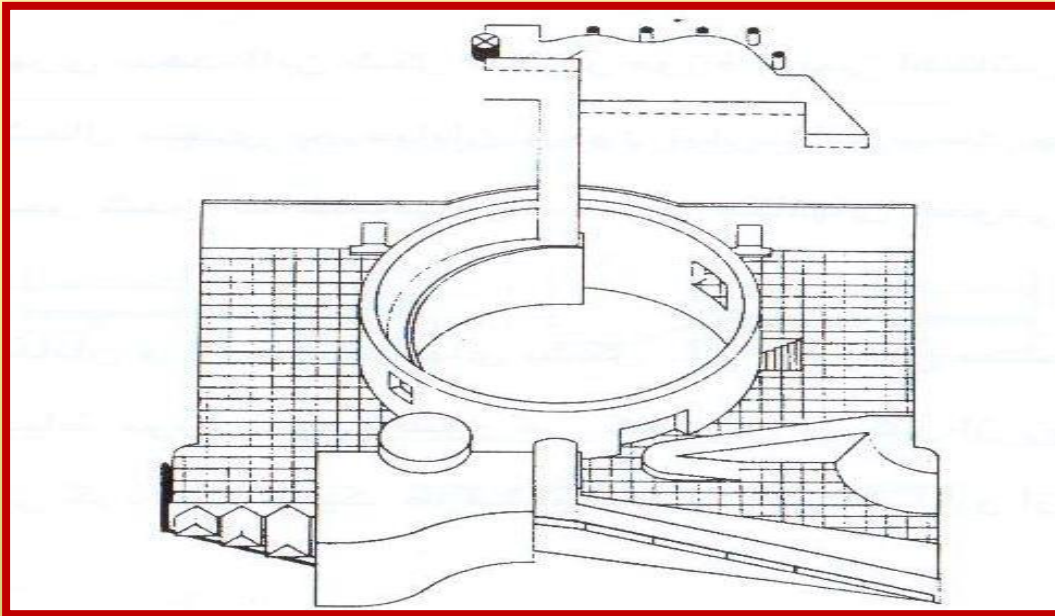


در سمت شمال منفذی به خیابان وجود ندارد، اما سمت جنوب بطرف خورشید گشوده شده است و با محو شدن ساختمانها، یک سری مکانهای عمومی چند طبقه به جایشان ایجاد گردیده است. در سطح خیابان و از ساختمانهای بشکل L یا U راهی مشجر می گذرد که شکل کوچه به خود گرفته و از حیاط موزه قدیمی عبور می کند. پس از گذر از زیر یک ایوان، پلکان و رمپ به یک تراس منتهی می گردد که از یک طرف توسط یک شاخه U و از طرف دیگر توسط L محدود شده است.

از این تراس تمام تاریخچه معماری محل احساس می شود. استرلینگ با خلق یک شکل بسیار قوی توانسته خواست برنامه مبنی بر پیش بینی محل عبور باز برای مردم بین دو خیابان ادنائر و اوربان را عملی سازد که این خود یک گردشگاهی واقعی با محیط معماری است.



او گذشتن از محل را بطور غافلگیر کننده ای، متناوبا باز و بسته نگه می دارد. این تمهید علاوه بر اینکه زندگی خاصی به موزه بخشیده است، عابرین را نیز تشویق به دیدن داخل موزه می نماید. لوله های قوی آبی و صورتی سطوح شیب دار مسیر عابرین بین دو خیابان را مشخص نموده است. همچنین ورودی ها و خروجی هائی که در قسمت در ورودی محور اصلی قرار دارند باعث تاکید بر تعادل کل مجموعه می شوند.



پرسپکتیو حیاط مدور مرکزی



این معمار موفق به ایجاد ابهامی می شود که دیدها را با استفاده از تضاد چند برابر می نماید. بدینگونه حیاطی استوانه ای شکل که رمپی از کنارش می گذرد، هم داخلی است که با قسمت های خارجی تراس و خیابان در تضاد است و هم با داشتن فضایی آزاد که قسمتی از آسمان از آنجا پیداست، خارجی بحساب می آید.

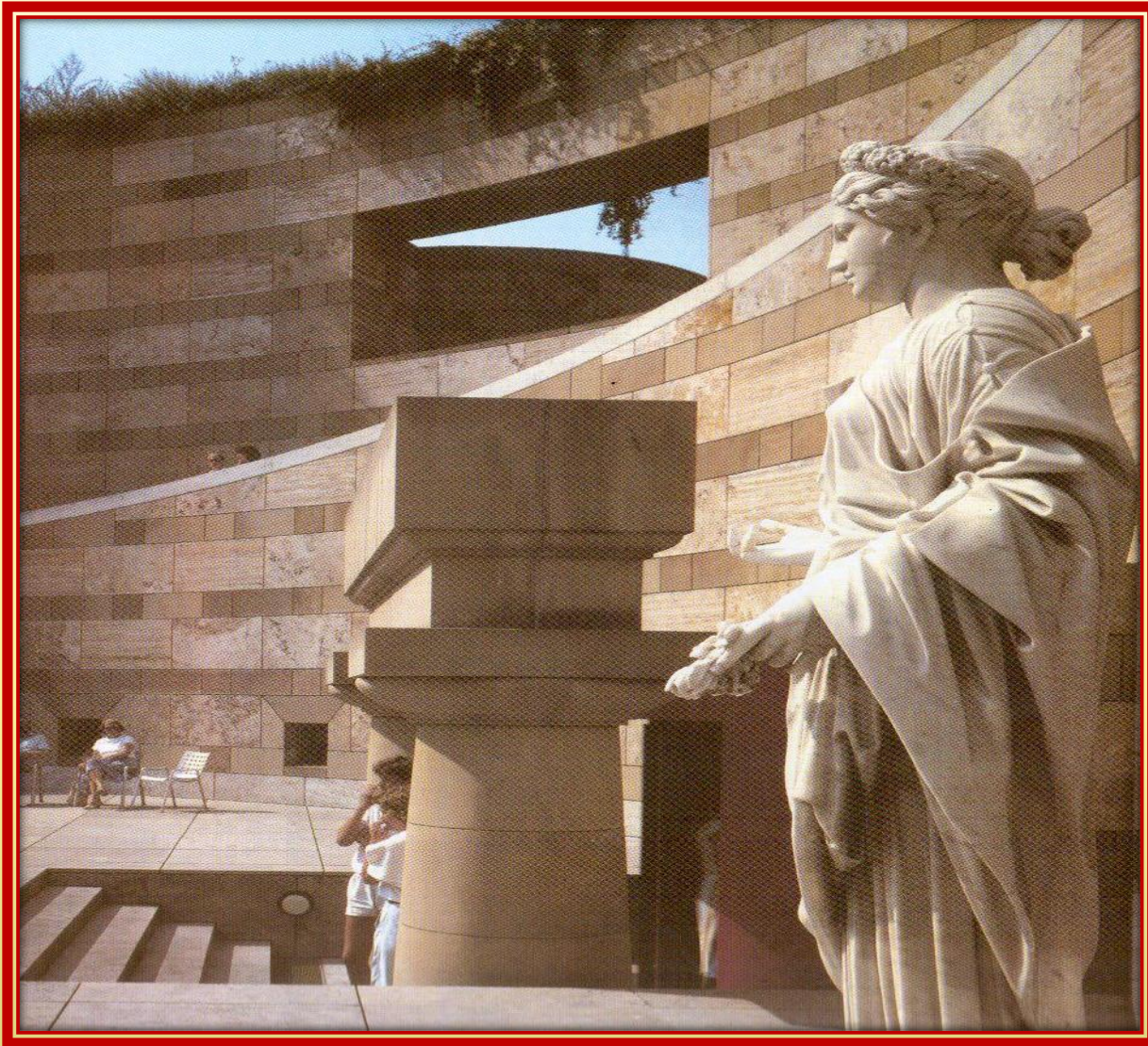
سالهای دهه ۱۹۸۰ برای استرلینگ زمان بزیر سؤال بردن ساده کاریهای معماری مدرن و پرداختن به شکل پیچیده و غنی، برای روش کاریش بود. اما به عبارتی او در صدد نیست تا به عصر طلایی معماری قبل از جنبش مدرن بازگردد. برعکس، او فضاهای جدیدی را خلق کرده است که ناشی از دگرگونی صنعتی می باشد. در طراحی موزه اشتوتگارت، دید رانندگان در نظر گرفته شده است بطوریکه از جاده سریع السیر جنوب، تراس های موزه تاثیر زیادی روی بیننده می گذارد.



همانند مجسمه ساز معاصر انگلیسی آنتونی کارو، جیمز استرلینگ
توسل به اشکال غیر مشابه را ترجیح می دهد که تا با کنار هم قرار
دادن این اشکال ناهمگن، مفهوم آنها روشن تر گردد. این تقسیم بندی
به استرلینگ امکان می دهد تا معماری را به منبعی از اظهارات سئول
برانگیز تبدیل نماید.

سنتی و مدرن، سازه های معماری نیرومند (ستونهای سالن بزرگ)
آرماتورهای سبک، عناصر سازنده این بازی هستند.
تشکیلات مربوط به موزه که توسط معمار بکار رفته در سطح وسیعی
در این تبادل شرکت دارد. پی در پی بودن سالن ها که بخوبی مشخص
شده اند، نمایش خوب تابلوها را تضمین می کند و فضاهای باز تعداد
مناظر شهری و روستایی را که از داخل این معماری می توان دید
بیشتر می نماید. مجموع این تعبیه هاست که احساس نسبت به
اشتاتس گالری را تشدید می نماید





چنانچه معماری نظام ترکیب ها باشد، استرلینگ در اینجا تعریفی هم پیچیده و هم ساده، کلاسیک و ابداعی، هوشمند و مردمی از آن نموده است و در آن معماریش نشان دهنده تمدن نامطمئنی است که اضطراب جای خود را به لذتی آمیخته به استهزاء می دهد.

در اینجا بایستی به پاره ای نظرات جیمز استرلینگ در موزه اشتوتگارت اشاره گردد: « در طراحی این موزه دست به کار ساده ای نازدم. این بنا طراحی از یک ساختمان با عملکردهای مختلف می باشد. »

« من این اثر را یک مونومان می دانم. زیرا هم یک ساختمان عمومی است و هم اینکه غیر فرمال می باشد. گویانکه اغلب ساختمانهای مونومانتهال مردم پسند و مشهور، فرمال هستند. برای من مونومانتهالیزم، استفاده از هرچیز و از هر نمونه و هر اندازه نیست. بلکه مونومانی مورد نظر من است که به فضا هویت ببخشد.»

« این بنا دارای دید مرکزی بوده، تقارن و ترکیب آن با حجم های غیر متقارن متأثر از تعدادی پروژه های قدیمی می باشد. در اینجا من از دو شیوه استفاده کرده ام آبستره (مجرد) و بیان تصویری.

آبستره شیوه ای است که وابسته به حرکت مدرن بوده و از کوبیسم و کانستراکتیویسم مشتق گردیده است و از طرفی تصویر که وابسته به آداب و رسوم و مسائل بومی و تاریخی و سنتی است. من تصور می کنم که این هر دو شیوه را از ابتدا در کارمان رعایت کرده ایم. ما در چند مسابقه در آلمان شرکت کردیم: اولین مسابقه مربوط به موزه دوسلدورف، دومین مسابقه موزه کلن و بالاخره سومین مسابقه که از همه مشکلتر هم بود موزه اشتوتگارت می باشد که بالاخره در آن برنده شدیم. باید بگویم که این مسابقه بیش از بقیه ما را بخود مشغول کرد، فرم U شکل آن که دارای سبک نئوکلاسیک بود.



« در طراحی این بنا از گالری قدیم و الهام از فرم U شکل آن که دارای سبک نئوکلاسیک بود الهام گرفتم و بجای نیم دایره وسط نیز شکل دایره را انتخاب نمودم که استوانه ای را تشکیل می دهد.»

« سطوح شیشه ای بکار رفته روابط درونی را از بیرون آشکار می سازد.»

« امیدوارم که این عمارت انسان را به یاد موزه بیندازد و آرزویم این است که بیننده احساس کند که این عمارت شبیه یک موزه است. من نمونه های قرن نوزدهم را جالب تر و قابل توجه تر از نمونه های قرن بیستم می دانم (استرلینگ نیز مانند شینکل می کوشد تا تاریخ را بمتابه یک سنت زنده مجسم نماید. این دو معمار را زمان و مکانی که با یکدیگر ارتباط تنگاتنگ دارند، ارضاء می کند.) و از نمونه های آن به موزه آلتس برلین اثر شینکل توجه داشته ام.»



« من با چنین تحصیلاتی، عشق و علاقه به تمامی تاریخ معماری داشته و دارم، گو اینکه گهگاه به یک جنبه خاص بیشتر توجه پیدا کرده ام.»

« ضمناً کارهای سالهای بیست و لوکوربوزیه نیز برایم جالب است» (پاره ای سطوح شیب دار «رمپ»، پیلوتی و شیشه های آن و نحوه تعبیه پنجره های نمای خیابان اوربان را متاثر از لوکوربوزیه دانسته و رمپ های موزه گوگنهایم اثر فرانک لویدرایت را نیز در این اثر بی تاثیر نمی دانند. تاثیر معماران برجسته ای همچون سوآن انگلیسی و آلوارآلتو فنلاندی را بر این اثر استرلینگ نایستی نادیده گرفت. هنری راسل هیچکاک نیز عقیده دارد استرلینگ تحت تاثیر کلود نیکولالدو «فرانسوی» و لوکوربوزیه بوده است.)



« من فکر نمی کنم که داخل یک ساختمان بایستی منعکس کننده خارج آن باشد. طبق فلسفه فرانک لویدرایت و جنبش مدرن، داخل و خارج ساختمان می بایست غیر قابل تشخیص باشد. بنظرم این قابل درک نیست. چیزیکه در داخل روی می دهد خیلی با آنچه در خارج اتفاق می افتد فرق دارد. بخصوص در موزه ها که مستلزم نوردهی خاصی است و احتمالاً بخاطر استفاده از دیوارها برای نصب تابلوها، پنجره ای ندارد. این مطلب ممکن است به تمام ساختمانها اطلاق شود اما بویژه در مورد موزه ها مناسب نیست. همچنین داخل و خارج ساختمان می توانند با داشتن تضادی، مکمل هم باشند. در اشتوگارت اختلاف بین داخل و خارج بخاطر گیاهان زیاد تاکید شده است. ساختمان از پیچک گیاهان بالارونده و پوشیده شده و حال بیشتر به یک بنای قدیمی شبیه می باشد، در مقایسه با زمانی که کارهای ساختمانی پایان یافت و من قطعاً می خواهم که موزه اشتوگارت شبیه به یک بنا با قدمت زیاد باشد.



« من مایل بودم هنر را در صحنه خودمانی تر جای دهم. بدین علت گیاهان را بکار بردیم. از طرفی این ساختمان خیلی بزرگ که از سنگ ساخته شده بدون تضاد گیاهی بیشتر به یک معدن سنگ شباهت داشت. بدین ترتیب تمام گیاهان بکار رفته وجه تشابهی با سنگ دارند، مطمئناً، روزی ممکن است شبیه یک معدن قدیمی متروکه ای گردد. معهدا، کاشتن، خود بخشی از معماری است.

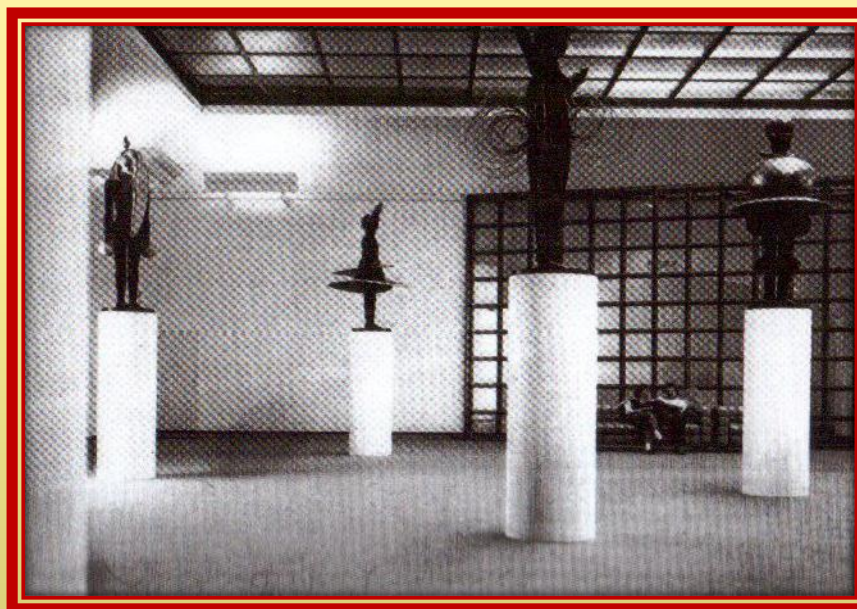
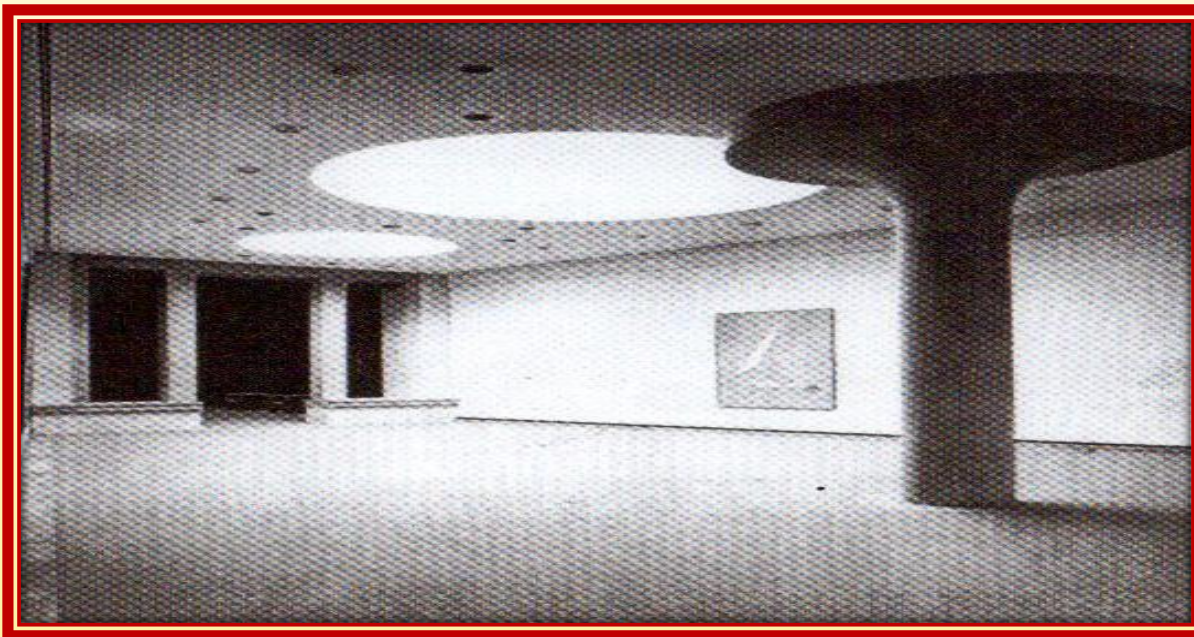
« در اشتوتگارت راههای گذر، پارکها و تراسها هدیه به مردم هستند و مردم این فضاها را دوست دارند.»

« من مایلم فضاهای مدرن و سنتی را با هم تلفیق نمایم. کار ما تمامی تاریخ و همچنین قرن بیستم را در بر می گیرد.»

« من همیشه از نظر تاریخچه معماری اروپا، ایتالیا را در مقام اول، فرانسه را دوم و انگلستان را سوم طبقه بندی کرده ام.»





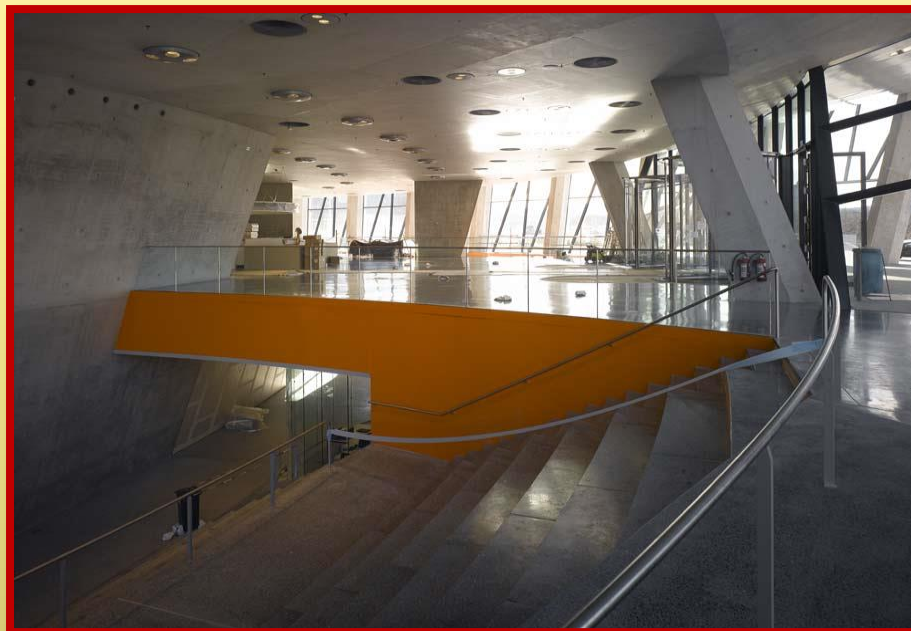


فضای داخلی موزه





سایت موزه اشتوتگارت





سایت موزه اشتوتگارت



برلین، اسپری بوگن، پایتخت جدید کشور آلمان
آکسل شولتز



اسپری بوگن و رایشتاگ دو مسابقه برای پایتخت جدید آلمان «برلین»

در تاریخ ۲۰ ژوئن ۱۹۹۱ مجلس فدرال آلمان تصمیم گرفت که پس از اتحاد دو آلمان، پایتخت جدید آلمان فدرال شهر برلین باشد و بر این اساس به هیئت دولت توصیه گردید که برای انتقال دولت از بن به برلین اقدامات لازم بعمل آورد، بطوریکه مقر سکونت ریاست جمهوری شهر برلین باشد. برای این منظور دولت می تواند از ساختمانهای موجود و جدید استفاده نماید بطوریکه دولت و مجلس در سال ۱۹۹۸ در ساختمانهای جدید مستقر شوند.



محل استقرار این ساختمانها در قسمت تاریخی شهر برلین و محدوده خیابان ویلهلم و قوس (کمان) رودخانه اسپری و جزائر آن در نظر گرفته شده و به مسابقه گذارده شود.

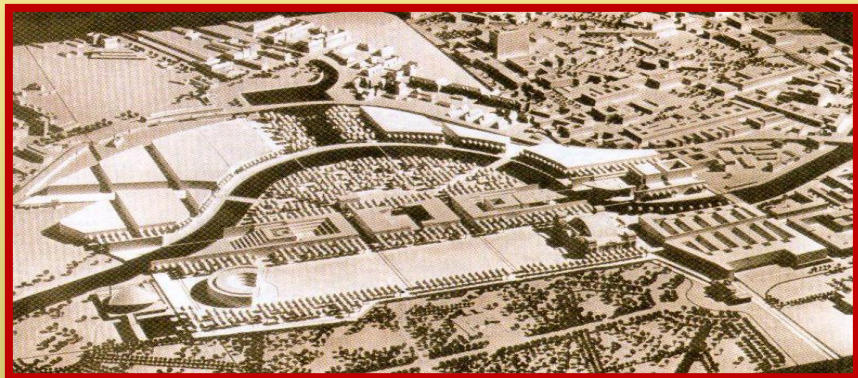
یادآور می گردد که محدوده اسپری بوگن در جنگ جهانی دوم آسیب بسیار دیده است و بدینوسیله میخواهند آنرا با طراحی تازه و به منظور مقر حکومتی جدید دولت آلمان فدرال بازسازی نمایند. بنای مجلس قدیم (رایشتاک) و قصر قدیمی به مجلس جدید و محل سکونت رئیس مجلس اختصاص می یابد.

در نظر است که این محدوده برای بنای مجلس و وزارتخانه ها، محل سکونت رئیس مجلس، وزراء، نمایندگان مجلس، نخست وزیر و بنای نخست وزیری، خبرگزاریها و باشگاه خبرنگاران با مجموعه زیربنای ۱۸۵۰۰۰ مترمربع و از طریق برگزاری مسابقات جداگانه طراحی گردد.



اسپری بوگن
(برلین)
پایتخت جدید آلمان
برنده جایزه اول:
آکسل شولتز و شارلوت فرانک
۱۹۹۲

در مسابقه بین المللی طرح تفضیلی منطقه اسپری بوگن در برلین ۸۳۵ شرکت کننده از ۴۴ کشور جهان شرکت نمودند و اکثریت شرکت کنندگان نیز به ترتیب از ۳ کشور آلمان با ۱۵۷ پروژه، ایتالیا ۱۲۴ پروژه، فرانسه ۱۰۹ پروژه می باشند. این مسابقه که عبارتی به عظمت آن تا کنون در جهان برگزار نگردیده است مبلغ ۷۰ میلیون مارک آلمان هزینه در بر داشته است



دو مسابقه بین المللی جهت اسپری بوگن و رایشتاک اشتیاق دامنه داری در محافل جهانی برانگیخته است.

مرکز سیاسی برلین چه فرم معماری بایستی بخود بگیرد؟ از چه فکر بکری بناهای وزارتخانه ها، مقر صدراعظم و دیگر ادارات دولت فدرال بایستی الهام گرفته شود؟ چه ساختمانهای قدیمی را (مخصوصا در قسمت شرقی) وزارتخانه ها می توانند در اختیار گیرند؟

کمی بعد از اتحاد دو آلمان، سنای برلین ساخت پوتسدامرپلاتس و دیگر مناطق برلین میته را به پیمانکاران واگذار نمود و دست آنها را بدون محدودیت زیادی باز گذاشت (بهترین مثال در این مورد معماری تجاری پر زرق و برقی است که برای ساختمان مرکزی اروپائی سونی صورت گرفته و ساختمان فیلارمونی و کتابخانه دولتی اثر هانس شارون را تحت الشعاع قرار داده است) بنابراین دولت تصمیم گرفت که راسا اقدام به ساخت محله بناهای دولتی و پارلمانی بنماید.



برای شولتس مهم این است که «ابعاد فضائی و شهری قدیمی را در قالب شکل جدید معماری، تکنیکی طراحی نماید». چیزیکه موفق و متقاعد کننده به نظر می رسد تشکیلات روشن و دقیق ساختمان و رعایت موازین گذشته با وجود فضاهای شهری کاملاً جدید می باشد.

در وسط یک نوار پهن، یک میدان عمومی و یک بازار وجود دارد که می بایستی ایستگاههای متروی زیرزمینی و هوایی در آن جای داده شود، فضائی برای عابرین پیاده که همراه با نمایشگاهها، مغازه ها و رستورانها مرکز همه چیز خواهد بود و در اطراف، ادارات دولتی قرار خواهند گرفت. عملکرد این فضای سبز وسیع ارتباط دادن فضاهای کوچکتری است که توسط دسته ساختمانهایی در شمال اسپری بوگن جدید و در جنوب میدان جمهوری از هم جدا شده اند. در غرب بازار، ساختمان نخست وزیری و باغ آن که روی اسپری گسترش می یابد قرار گرفته است. در قسمت شرقی نیز دفاتر کار وکلا و کمیسیون ها که در رایشتاگ جا ندارند، گنجانده شده اند.



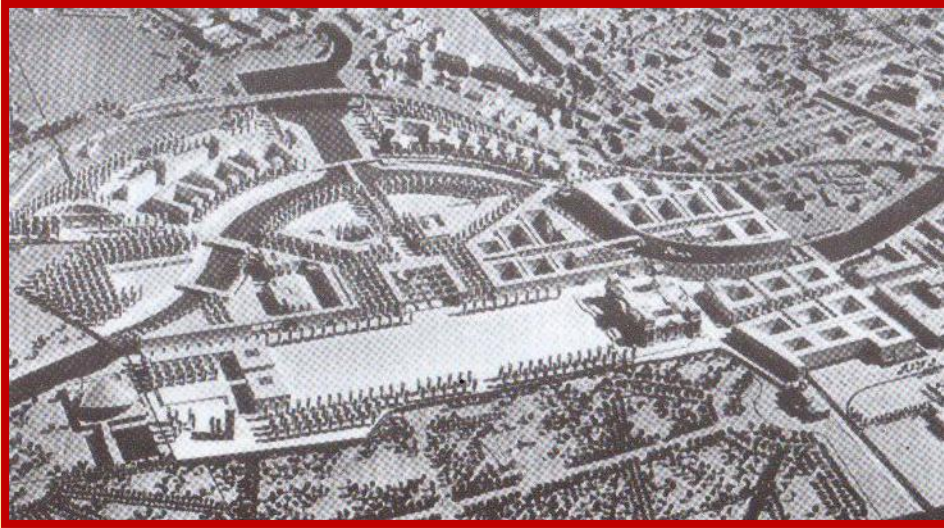
در قسمت شمال اسپری که سایر ساختمانهای دولتی در آنجا پیش بینی شده است، شولتس مایل است که در آن محل یک معماری تیپ برلین که عبارت از بلوک های بزرگ می باشد، احداث نماید. موضوعی که بطور خیلی محسوس در پروژه آکسل شولتس مورد توجه واقع گردید، پلی است که از سمت شرق به غرب کشیده شده و بعنوان یک ارتباط سمبولیک قوی و موفق و موفق دو قسمت کشور را که بیش از چهل سال جدا بوده اند بهم پیوند می دهد.

در واقع دیوار برلین در امتداد رود اسپری نزدیک ساختمان رایشتاگ ادامه می یافت. پروژه بدون هیچگونه مشکلی در چندین مرحله قابل اجرا می باشد. این موضوع مهمی است زیرا بخش های مختلف هنوز از هم تفکیک نشده اند بویژه قسمت های میانی و بازار تا وقتیکه تونل های زیرگذر گارتن برای مترو، ترن ها و اتومبیل ها ساخته نشود، نمی تواند ساختمان آن شروع گردد. این کار ممکن است تا اوایل قرن آینده بطول انجامد.

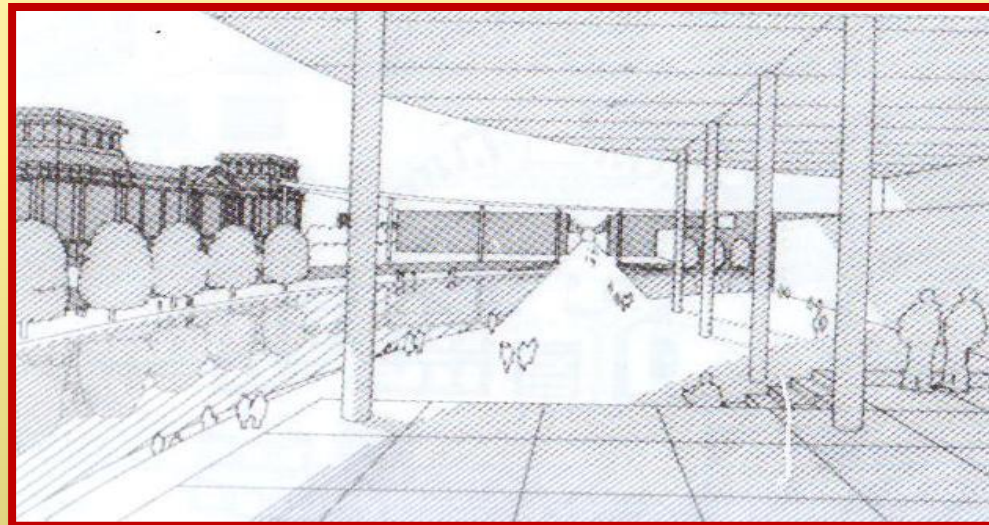


منتقدین طرفدار طراحی «دموکراتیک» و «سبک» در یک فضای سبز، شبیه محله دولتی بن (پایتخت آلمان) هستند. در این زمینه آنها پارلمان جدید فدرال ساخت گونتر بنیش در بن را مثال می زنند، با وجودیکه کمی بعد از گشایش اشکالات تکنیکی و اکوستیکی قابل ملاحظه ای ظاهر شد که آنها را با تغییرات پر هزینه ای مرتفع کردند. شفافیت که بسیار مورد توجه این «کارگاه دموکراسی» (کار بنیش) بود، برای خیلی ها به منزله یک کار جنجالی بود که برای بحث های جلسات پارلمان هیچگونه امکان فضای مناسب را بوجود نمی آورد. در این خانه شیشه ای که به آن لغب «دموکراتیک» داده اند مثل این است که کسی در ویتترین باشد.





پرسپکتیو عمومی



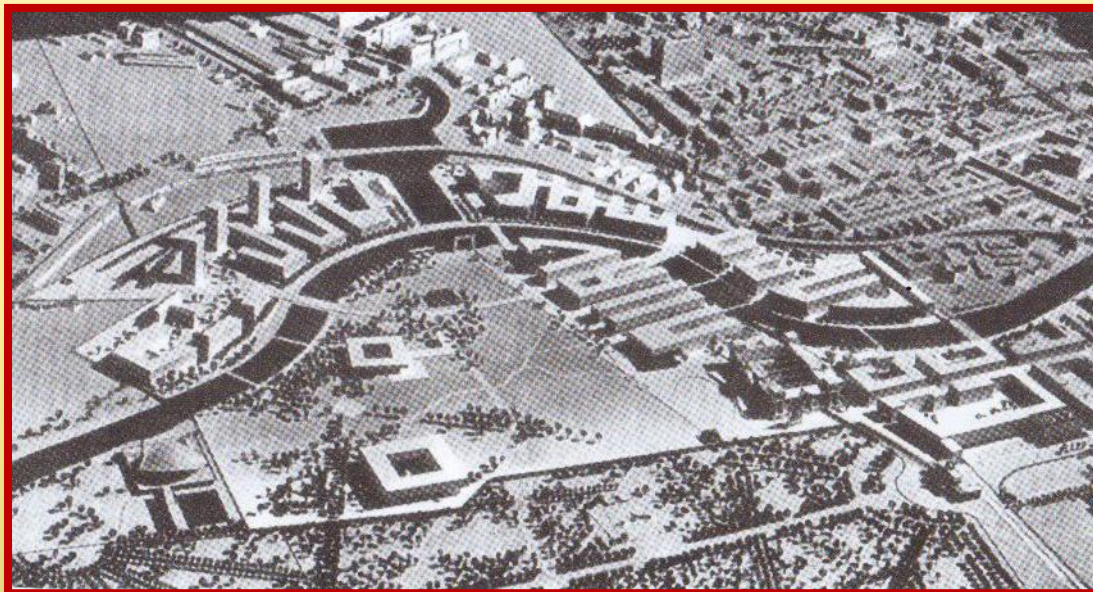
پرسپکتیو داخلی سایت



دومین جایزه به یک معمار اهل ساربروک بنام میروسلاو ولف که شهرتی هم ندارد تعلق گرفت. وی از شکل سنتی قبل از جنگ محله آلسن الهام گرفته است. ساختمانهای ۶ طبقه ای تا ارتفاع سر ستون بنای رایشتاگ طراحی گردیده است. میدان مرکزی محل آلسن پلاتسن در اینجا بعنوان یک «چهره شهری» دوباره متولد می شود.

معماران اهل برن سوییس (نیک گارتن من ، مارک ورن و آندراس یوهری) که جایزه سوم را برده اند، پیشنهاد می کنند که اسپری بوگن و کناره موبیت را به برشهای طولی-عرضی که از سه عنصر یا قسمت اصلی تشکیل شده است بپوشانند یک میدان اصلی که در ردیف میدان جمهوری است، یک میدان شمال میدان مذکور و یک میدان نیز در شمال نزدیک بندر هومبولد که می بایست به ایستگاه راه آهن مرکزی برسد. یک نوار سبز گیاهی که بصورت شیبدار در شرق طراحی گردیده است قسمت عمده اش در اختیار عمارت صدراعظم قرار خواهد گرفت. این پروژه از خطوط شبکه ای (شطرنجی) تشکیل شده است.طراحی جدید با بلوکهای مربع یک شکل مشابه بلوکهای فردریک اشتراسه می باشد.

جایزه چهارم به کلاین، بروخا از اشتوتگارت اعطا شد که موجب جر و بحث هائی نزد سیاستمداران گردید. زیرا آنها با شمای شهر بن با ساختمانهای جدا از هم و پراکنده روی یک منطقه بزرگ سبز مقایسه می نمایند. چهار برج بلند با زیر بنای زیاد در شمال سایت، هیچ وجه مشترکی با ساختار شهر برلین ندارد.



تصویر ماکت پروژه معماران از اشتوتگارت



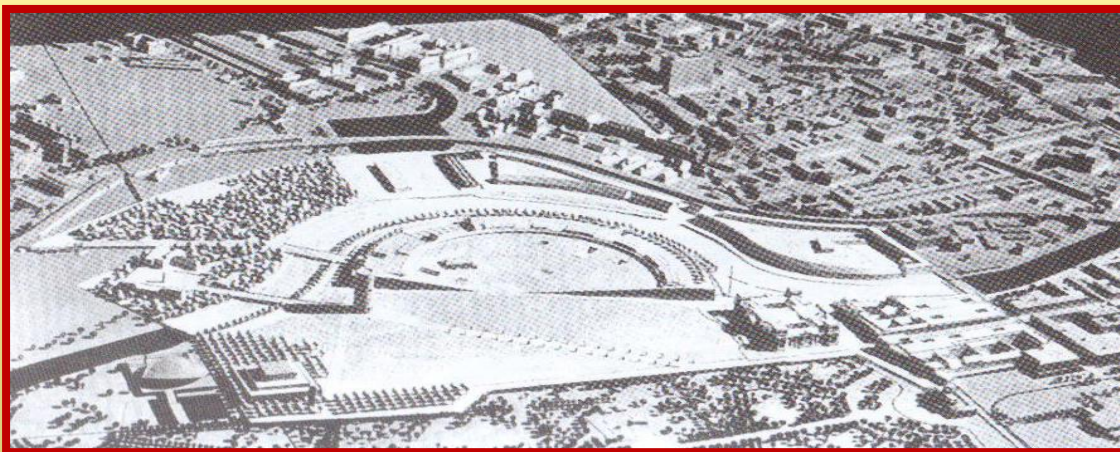
برندگان جایزه پنجم ملوررینبت و نوربورگ از پاریس تمام عملکردهای پارلمان را در شمال و جنوب رایشتاگ و جنوب رایشتاگ متمرکز کرده اند. در وسط پروژه میدانی به چشم می خورد که از سنگ صورتی رنگ طراحی گردیده است و این همانند یک « فرش قرمز » باز شده ایست که می بایست به عنوان یک وسیله ارتباطی و دعوت کننده با محله دولتی کار کند. در گوشه شمال شرقی میدان یک برج مدور استوانه ای شکل به ارتفاع ۱۷۰ متر بنام « برج کمیسیونها » طراحی گردیده که علاوه بر یک نشانه شهری مهم ، به نوعی می تواند یک برج کلیسا برای رایشتاگ به حساب آید.



در جایزه ششم که توسط مورو گالانتینو و مارکوزانیلی طراحی شده پیشنهاد یک محله جمع و جور، خوب و بررسی شده ای گردیده است. یک خط جداکننده ای میدان جمهوری را از اسپری بوگن مجزا می سازد که یکی از اجزاء ساختاری طرح، بدون ایجاد ساختمانهای بزرگ می باشد. الر، مایر و والتر از اشتوتگارت (برنده جایزه هفتم) نیز تقریباً همین حجم ساختمانی پارلمان رادر سمت شمال کنار رود اسپری تنظیم کرده اند. پارک باز می ماند و تنها مجلس سنا با حجمی مشابه رایشتاگ در قسمت غرب میدان جمهوری قرار می گیرند، یک سرویس رفت و آمد روی ریل که در طول ستون فقرات این معماری طراحی گردیده، ساختمانها را به هم مرتبط می سازد.

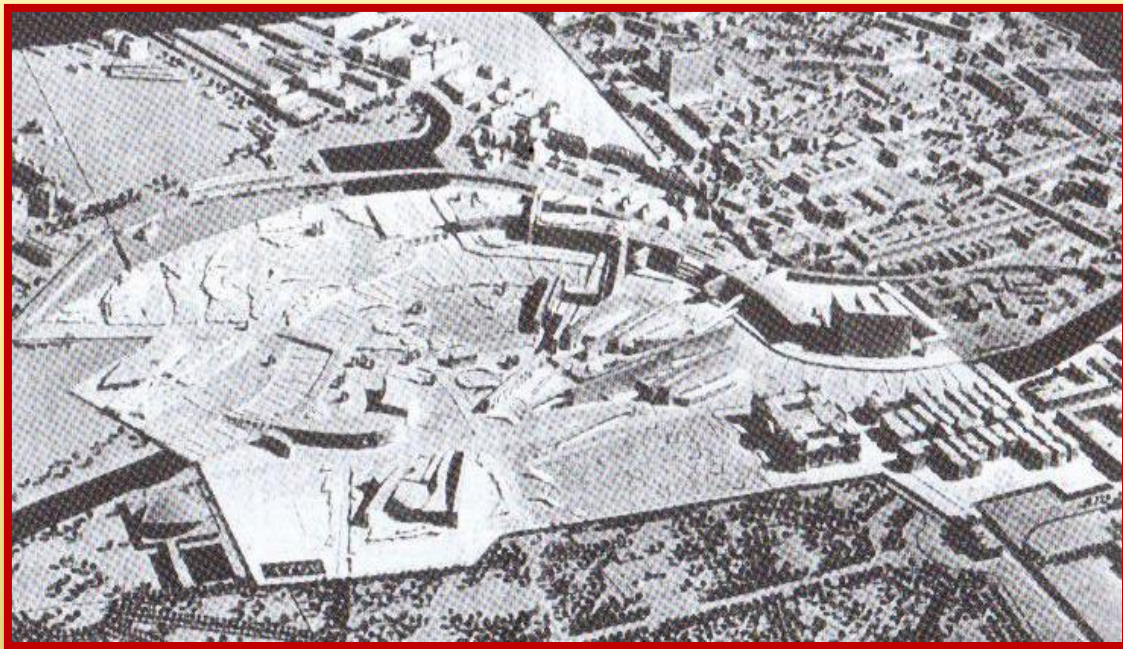
دو آرشیفتکت پرتغالی، نونومیگوئل ماتیوس و خوزه ماتیوس (برنده جائزه هشتم) تصمیم گرفته اند که حجم های ساختمانی را در شرق اسپری بوگن و ساختمان رایشتاگ جای دهند. ساختمان نخست وزیری در بالای اسپری قرار می گیرد. رودخانه بدون دلیل ظاهری از جای خود منحرف و وسیعتر شده است.

در میان پروژه‌هایی که جایزه برده اند پیشنهاد «استودیوی بنه ولو» از برشا نیز قابل ذکر است این طراحی غیر معمول است و یک فرم ساختمانی نیمه گردی را پیشنهاد می کند که مانند یک بار وی ۳ تا ۵ طبقه ای در زیرزمین جای گرفته و تنها قسمتی از طبقه آخر آن در کنار رود اسپری بچشم می خورد. زمین به آهستگی بطور متوالی به طرف جنوب بالا می رود، قسمت بیرون آمده ساختمان توسط ردیف های درختان مشخص شده است. در شمال رودخانه در سمت چپ یک جنگل و در سمت راست یک رشته ساختمان طویل و پریچ و خم کشیده شده است.



تصویری از پروژه بنه ولو معمار ایتالیایی

یک معمار رومی بنام فابیودی کارلو (که وی نیز جایزه برده) ترکیب غیر متعارفی از برش های ساختمانی باریک طراحی نموده که همانند مجسمه هایی به منظره طبیعی اضافه می شوند این کار تیپ رومی در رابطه با «ری اوزودی لاجیتا» نبوده و بلکه بیشتر با سبک دانیل لیبسکیند جور در می آید.



تصویر ماکت پروژه معمار رومی

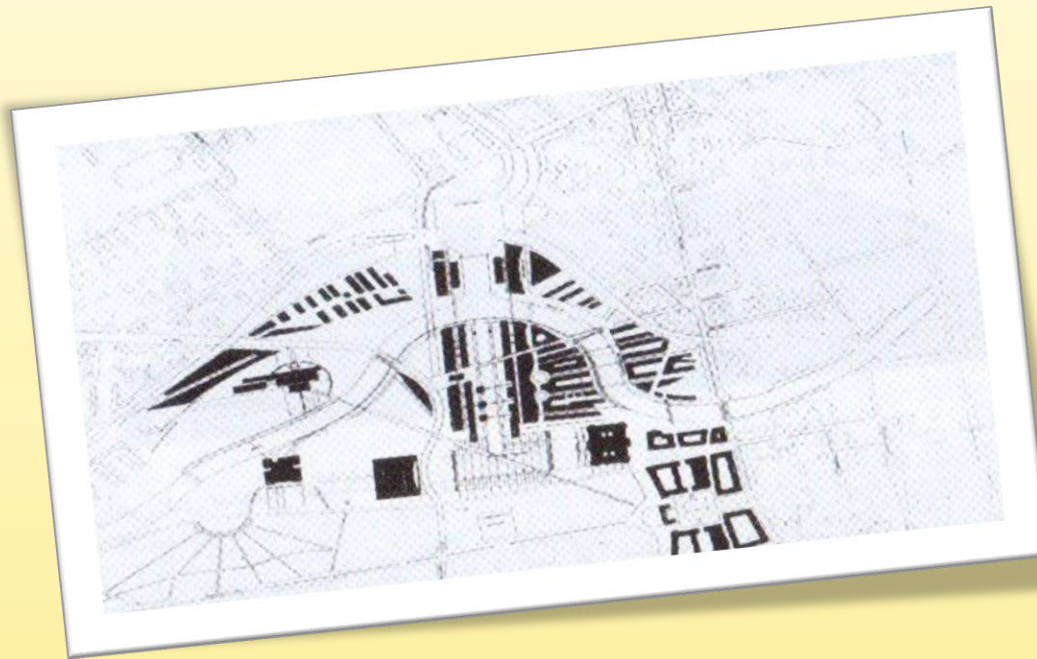


ایده های پربار فرانسویان

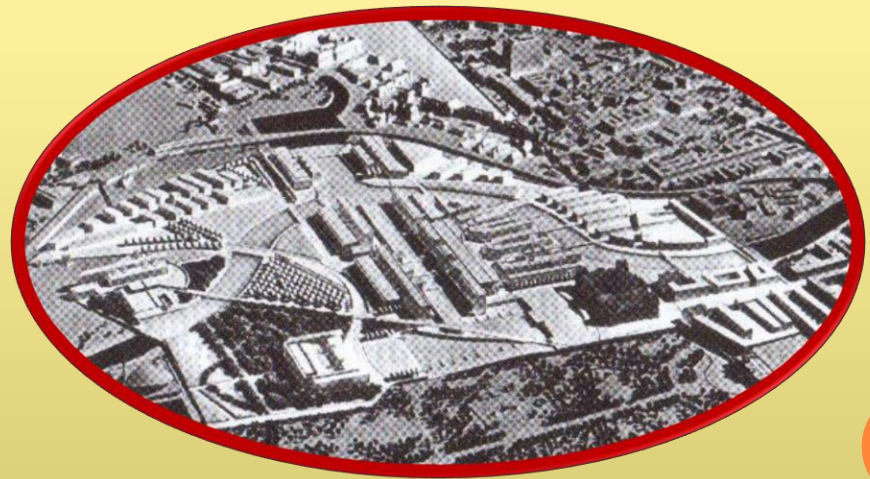
فرانسویها با ۱۰۶ پروژه در این کنکور شرکت کرده اند. در اینجا ما به ارائه ۶ پروژه که دوره های چهارم و پنجم رای گیری هیئت ژوری را پشت سر گذارند و دارای ایده های جالبی هستند می پردازیم:

۱- معماران همکار، ژان فیلیپ بریدو، برنارد لامی و کریستیان کازیان از بوآ-کلمب، هدفشان را معطوف به آمیختن عملکردهای دولتی با زندگی شهری، فضای سبز و آب نمودند.

پروژه شان بر محور روابط می باشد. ابتدا رابطه راست گوشه های با کانال جدید در جهت شمال به جنوب که توسط آن سعی گردیده است تا ساختار جدید را با ساختار موجود در هم آمیزند و سپس رابطه دیگری بطور شیب دار از ساختمان شانسلری به دروازه براندنبورگ می رسد که در روی آن محور سنا-پارلمان (ساختمان رایشتاگ) پیوند می خورد. سه محور مذکور بطرف میدان جمهوری توجه داشته و به آنجا ختم می شوند. مجموعه ساختمان نسبتا موفق است.



سایت پلان



تصویر از ماکت پروژه معماران فرانسوی



۲- گروه پاریسی روشه، فرانسوا، لويس و هوبر طرحی غیر معمول برای آن محل طراحی نموده اند که در آن تعداد کمی ساختمان با ارتفاع کوتاه در خدمت (ریه سبز) قرار داده اند و تنها ساختمان بلندی که در فضای سبز مشخص است بنای رایشتاگ می باشد.

ساختمانهای جدید (که اکثرشان در داخل زمین جای گرفته اند) در دو طرف رود اسپری واقع شده اند. این شهر جدید در سمت شمال، مقابل خطوط راه آهن قرار داشته و در واقع در طول جریان آب، در داخل زمین طراحی شده اند. تیرگارتن تا رودخانه جلو رفته و با یک ارتفاع جدیدی از سنگ های آتشفشانی به پایان می رسد. کاری عظیم روی زمین بایستی انجام شود تا امکان ایجاد تراس در سطح ساختمان رایشتاگ را بوجود آورد. جای دادن ساختمان در زیر زمین بیشتر به نظر عملی غیر معمول می آید و بنا بر سلیقه معماران سئولاتی نسبت به دو منظوره بودن آن بر حسب زمان ، مبدا و مکان آن در تاریخ در حال گذر ابراز می شود.



۳- برژیت دوکوسمی از پاریس ساختمانهای راست گوشه سنگینی که روی پایه ای گرد قرار دارند پیشنهاد کرده است که در شمال ساختمانهای کوتاه جهت مدارک و اسناد قرار گرفته و سپس ۱۶ برج مجزا (که بطور سمبولیک نشان دهنده بوندسلندر می باشد) و هر کدام ۱۵ طبقه هستند طراحی گردیده اند، با رفتن بطرف میدان جمهوری نوعی صحن مسقف با ساختمانی باز که سالن های جلسات را در خود جای داده به چشم می خورد. در سمت شمال اسپری ساختمانهای جدید می بایست با ساختارهای شهری موجود مرتبط شوند. یک ساختمان با ارتفاع ۱۹۰ متر با یک آنتن قوی (برای مطبوعات) فرم این ساختار را بر هم زده و کاملاً زائد به نظر می رسد.



سایت پلان و تصویر ماکت
پروژه برژیت از پاریس



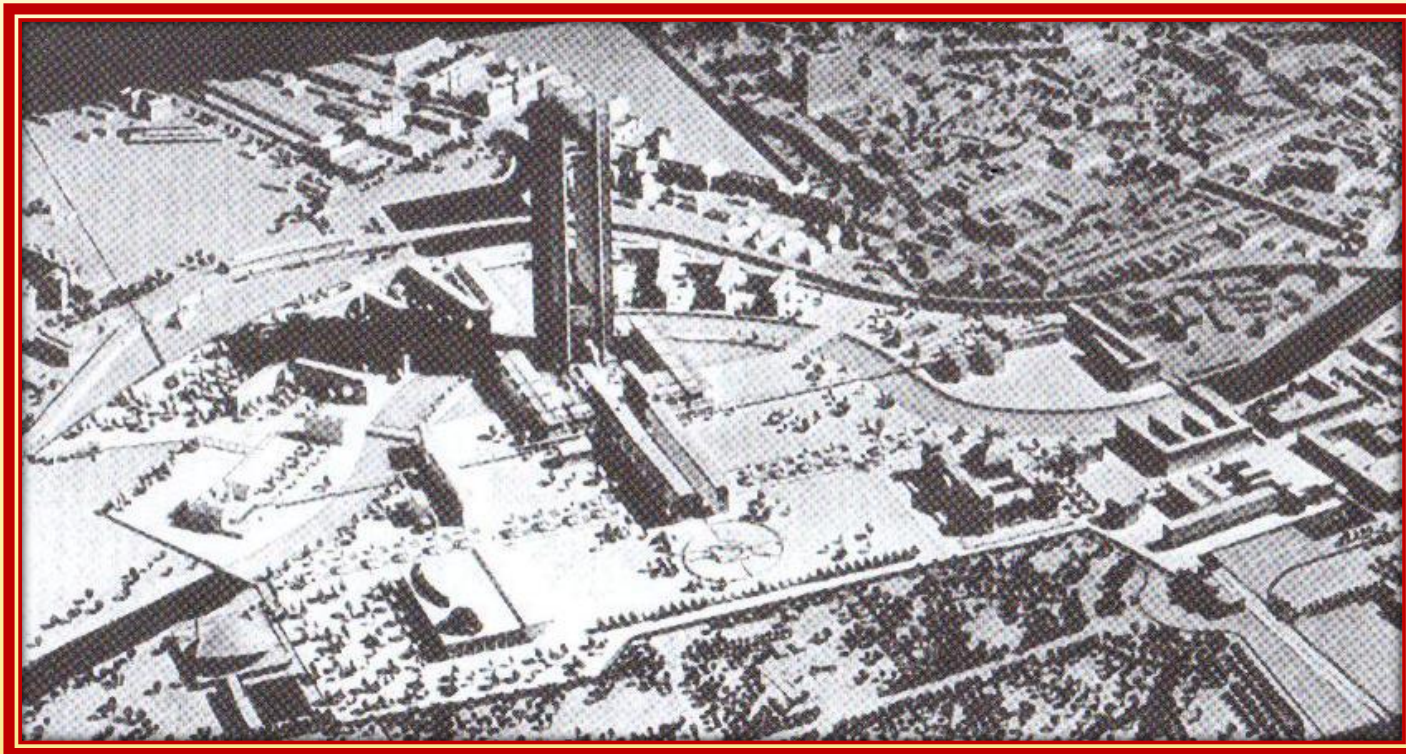
۴- برای بلاسل، لولی، تورن و میلر از پاریس، برلین در این محل دارای نظم و ترتیب شهری نیست. بدین جهت آنها تمام ادارات را در ساختمانهای مختلفی در اطراف یک فضای سبز وسیع و باز جمع کرده اند که خیلی فراتر از اسپری رفته است. در طرح آنها هیچگونه شمای ساختمان شهری دیده نمی شود.

۵- برناردبونییه از پاریس، پروژه را تنها به یک المان منحصر می نماید: یک سقف غول آسائی (نوعی پوشش تهویه ای) که زیر آن بطور مورب و فشرده رشته های پهن ساختمانها را که تا رایشتاگ ادامه می یابد، جای داده است. بعقیده وی فضای طبیعی، قلب اصلی و حیاتی شهر است. تنها کاخ صدر اعظم (شانساری) و چند ساختمان ویلائی در شمال نمایان است. در پاریز پلاتس یک ساختمان مفید ساده ای وجود دارد. سقف مجموعه سمبول گشودگی بطرف آسمان و نور با ساختاری سبک در نظر گرفته شده است و این سقف می بایست به حالت معلق، ۳۰ متر بالاتر از نوک درختان قرار گیرد.



۶- بالاخره کمتوف و هوئیدوبرو در تفسیر پروژه شان جمله معروف ویلی برانت را هنگام بازگشائی دیوار برلین نقل می کنند که:
(از این به بعد چیزهائیکه می آیند، با هم بزرگ خواهند شد) ولی چیزی که آنها پیشنهاد می کنند جنبه عکس آن دارد: کارشان می بایست از هم گسیختگی مقیاس بزرگی را تحمل نماید.
دو برج هر یک به ارتفاع ۳۰۰ متر با مکانی روی سقف برای فرود هلیکوپتر و مشرف بر رود اسپری طراحی گردیده است و بنظر می آید که ساختارهای شهرهای بزرگ که در سالهای ۱۹۶۰ مورد توجه قرار گرفته بود را بنا به مقتضیات روز و شکل مفصلی طراحی کرده اند. همچنین نسبت های سطوح با یکدیگر قابل توجه بوده و به ویژه طرح خوبی که برای سنای فدرال پیشنهاد شده است، جلب توجه می نماید.





تصویری از ماکت پروژه معماران کمتوف و هوئیدوبرو



رایشتاگ، توسعه و تغییر عملکرد ساختمان
سرنور من فاستر



رایشتاگ (برلین)

مسابقه برای تغییر و تبدیل ساختمان رایشتاگ به مجلس فدرال مشکل تر از مسابقه اسپری بوگن بود.

در سال ۱۸۸۲ کار پرزرق و برق پل والوت در مسابقه انتخاب می گردد. ۱۲ سال بعد امپراتور آلمان گیوم دوم این ساختمان را افتتاح می نماید و می توان آن را با کلیسای بزرگ برلین که توسط ژولیوس راشدورف ساخته شده است و اخیرا (در ژوئن ۹۳) پس از دهها سال بازسازی گردیده است مقایسه نمود. والوت که طرفدار سبک با شکوه و مجلل باروک اپرای پاریس شارل گارنیه بود از تمام نقشه های آن بهره برداری نمود و هیچ شاهکاری در (سبک ترکیبی) شباهی به آن ندارد.



در تاریخچه این ساختمان، آتش سوزی رایشتاگ در فوریه ۱۹۳۳ را نام می‌برند که احتمالاً توسط نازی‌ها صورت گرفت. تغییر شکل برجهای آتشبارهای هوایی به قلعه‌های کوچک دفاعی یا بونکر در ۱۹۴۱ و همچنین خراب شدن آن در سال ۱۹۴۵ از وقایع قابل ذکر است. این ساختمان سپس در اوایل سالهای دهه ۱۹۶۰ به شکل محدودی بعنوان پارلمان آلمان بازسازی شد. تمام تزئینات مجلل آن برچیده شد و یک معماری عملکردی و ساده، همسو با سبک و روحیه آن زمان ایجاد گردید. با مسابقه کنونی قرار است که ساختمان را بر اساس نیازهای (یک مجلس با عملکرد جدید) تغییر شکل دهند.

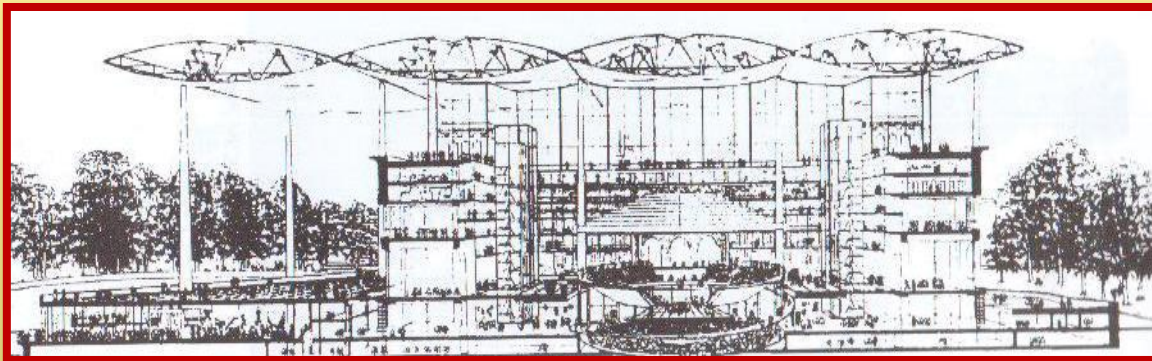
۳ پروژه برنده این مسابقه طرحهای متفاوتی دارند بنام های سرنورمن فاستر، پی دو بروئین و سانتیاگو کالاتراوا، از یک طرف نشان دهنده اختلاف عقیده هیئت ژوری و از طرف دیگر بار محوله مشکل و حتی غیر قابل حل آنست.



نورمن فاستر

نورمن فاستر رایشتاگ را با یک سقف شفاف با امکان گذشتن نور، در ارتفاع ۵۰ متری می پوشاند. این سقف روی ۲۵ پایه فولادی که از پائین بطرف بالا نازک می شود، قرار گرفته است.

تنها قسمت خارجی ساختمان قدیمی که فرض گردیده است ارتفاع آن نصف طرح کنونی باشد حفظ شده و بر عکس داخل آن کاملاً خالی گردیده است. نورمن فاستر یک میدان وسیع باز پیشنهاد می کند که در زیر سالن بزرگ دایره قرار گرفته که از این میدان داخلی می توان آن را از طریق یک روزنه که آن هم دایره است، مشاهده نمود.

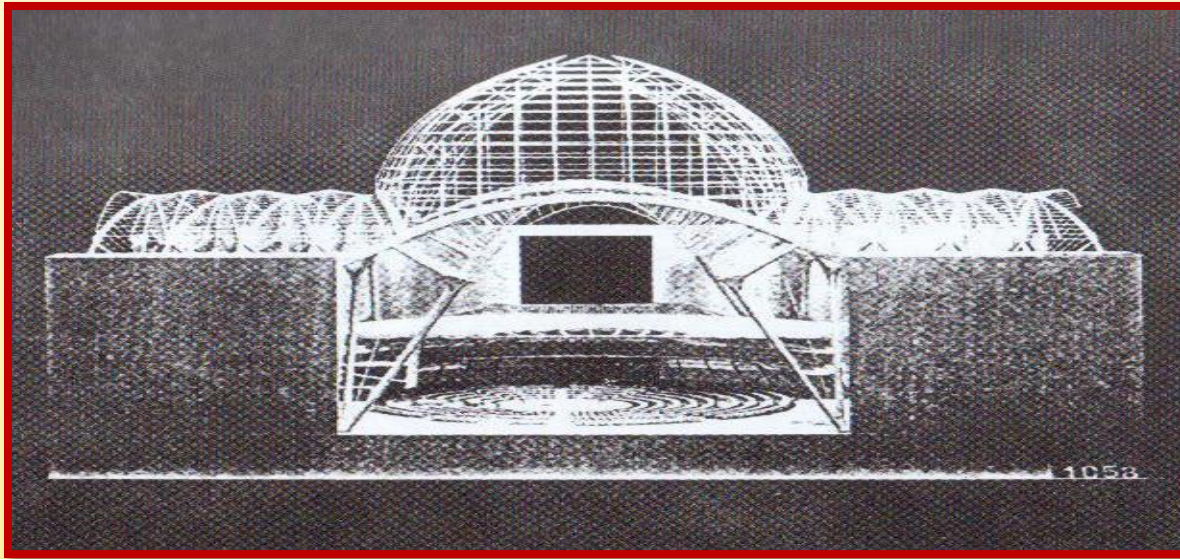


پلان و برش از توسعه و تغییر عملکردی ساختمان رایشتاگ توسط نورمن فاستر

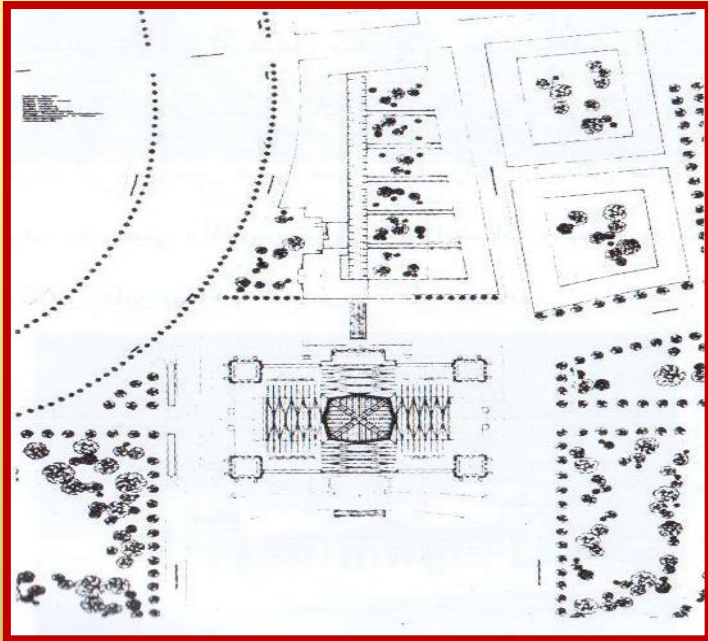
سانتیاگو کالاتراوا

سانتیاگو کالاتراوا، اسپانیایی مقیم زوریخ تنها فرد از ۳ نفر است که سعی نموده است به ساختمان جنبه کارایی شهری که در زمان سازنده آن پل والوت داشته است را بدهد. وی مصمم است گنبد آن را که در زمان جنگ به سختی آسیب دیده بازسازی نماید. ساختمان که فضای داخلی آن بین چهار برج توخالی قرار گرفته، ساختار جدیدی را که این معمار پیشنهاد کرده در خود جای می دهد. همانگونه که شیوه فاستر است، سالن اصلی زیر گنبد واقع شده است. گنبد بدون روزنه با چهار طاق گوشه‌ها در ورودی در یک سازه فلزی مشبک بسیار هندسی و سرتاسر شیشه‌ای محو شده است که در نظر اول ساختمانهای سنگین فلزی قرن نوزدهم را به یاد می آورد.





تصویر ماکت گنبد بازسازی شده توسط کالاترا



سایت طراحی شده توسط کالاتراوا



پی دی بروئین

سومین برنده جایزه پی دی بروئین از آمستردام می خواهد سالن اصلی را گسترش بدهد. بعقیده وی رایشتاگ از فضای کافی برای یک مجلس در پایان قرن بیستم برخوردار نیست. بجای آن وی برای ساختمان رایشتاگ یک طبقه زیرزمین، یک ساختمان برای سالن اصلی و یک جناح برای قسمت ریاست را بعنوان ترکیب جدید ساختمانی پیشنهاد می نماید. این واحد با یک میدان به اسپری مرتبط می شود. ساختمان رایشتاگ تا اندازه محدودی دست کاری خواهد شد. سرانجام فضای داخلی پل والوت و پل بومگارتن در نظر گرفته شده است. آنچه باقی می ماند (ساختمانی برای رویدادهای گذشته) است. به جای گنبد قدیمی و سالن بومگارتن، بروئین یک حیاط در معرض نور پیشنهاد می کند. فضاهای اطراف منحصرآ در اختیار احزاب قرار داده شده است.



ژان نوول و امانوئل کاتانی

در بین ۱۴ شرکت کننده خارجی که به کنکور دعوت شدند می بایست به حضور دو فرانسوی به نام های ژان نوول و امانوئل کاتانی اشاره کرد که نمی دانند چگونه برنامه تنظیمی را در ساختمان قدیمی پیاده کننده و یک بلوک به نمای شرقی رایشتاگ اضافه می نمایند. آنها اظهار می دارند که یک فصل جدید تاریخ را در یک فصل جدید معماری می توان دید. ساختمان جدید دارای همان مساحت زمین ساختمان قدیمی است که مستقیماً قابل دسترسی است. خیابان ابرت که در طرف شرق قرار دارد کاملاً بسته شده است. این راه حل برای ساختار شهری غیرقابل قبول تشخیص داده شده و بخصوص که کاخ رایشتاگ می بایستی تخریب شود. برای جایگزینی آن یک ساختمان جدید بصورت ویلای مربع شکل در کنار اسپری در سمت شمال در نظر گرفته شده است، داخل ساختمان جدید، سالن اصلی در یک پوشش کروی شکل پنهان شده که دور تا دور آن یک باغ و کمربند سبز وسیع از درختان و گیاهان قرار گرفته است.

در مرکز نماها، فضاهاى بازى به بلندی ۶ طبقه که اجازه دید به پوشش درخشان کره بسته را مى دهد پیش بینی شده است. در پشت کره یک قسمت داخلی اسرارآمیزی است که به نظر میرسد پنهان شده باشد و برای بکارگیری آن بعنوان مجلس خیلی بسته به نظر مى آید. این (جعبه) که ردیف های صندلی، آن را به کلاس درس شبیه ساخته با دیدن آن روی ماکت به شخص یک احساس تنگی جا و ناراحتی دست مى دهند.

تمایلی که نزد برنامه ریزان به چشم مى خورد تغییر و تبدیل ساختمان رایشتاگ در کادر خیلی کوچکتری است. انتقاد از برنامه مسابقه توجیه پذیر بوده و کارهای معماری پر از سمبل ، لزومی نداشته است. از طرفی پروژه های بزرگ ریاست جمهوری فرانسه قابل انتقال و جای دادن در برلین از نقطه نظر سیاسی نیست. نورمن فاستر و پی دو بروئین در یک جلسه گفتگو اشکال تغییر یافته ساده تری از پروژه هایشان را در مارس ۱۹۹۳ ارائه نمودند.



از سایت موزه رایشتاگ







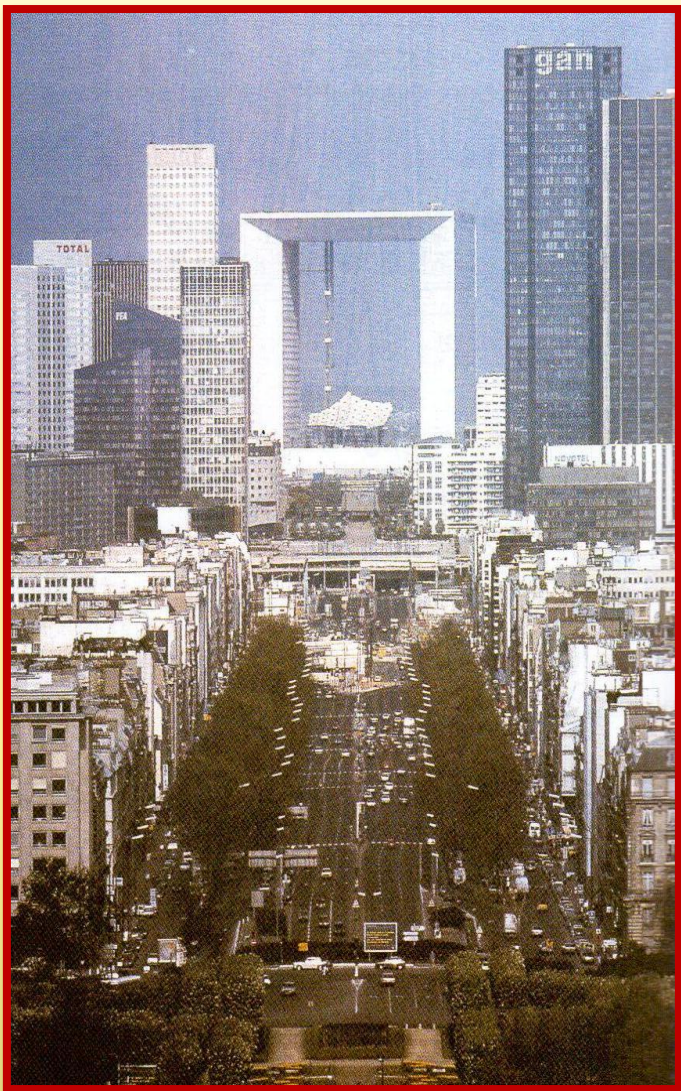


موزه رایشتاگ



طاق دفانس-پاریس
اسپرکلسن





طاق بزرگ دفان (پاریس)

اثر : یوهان اوتوفون اسپرکلسن

۱۹۸۲-۸۹

پروژه گراند آرک یا طاق دفانس از میان ۴۲۴ پروژه که از سراسر جهان شرکت کرده بودند انتخاب گردیده است . یادآور می گردد که هیئت ژوری در مرحله نهایی ۴ پروژه را انتخاب نموده که پروژ اول اثر اسپرکلسن از دانمارک با حضور فرانسوامیتران ریاست جمهور وقت فرانسه برگزیده شده است .



اعضاء بين المللى هئء ؤورى عبارءنء از :

- روبرء لئون ، فرانسء (رئس هئء ؤورى)
- مءهى ال مائءا ، مراكش
- رىچارءمير - آمريكا
- ؤرار ءورنوءار ، فرانسء
- سرء انءوان ، فرانسء
- اورىول بوهىگاس ، اسپانيا
- ؤرء گلاسبرگ ، آرءانءين
- انءوان گرومباخ ، فرانسء
- آءالوئيز هوكسءبل ، آمريكا
- كيشوكوروكاوا ، ؤاپن
- لوئيز مواسونيه ، فرانسء



- ریچارت راجرز ، انگلیس
- برنارد زرفوس ، فرانسه
- فرانسو لومبارد ، فرانسه (مشاور فنی)

قبل از انجام مسابقه جهانی که با همکاری اتحادیه بین المللی معماران ، برگزار گردیده است ، جهت دفانس چند معمار معروف از جمله آی . ام . پی معمار چینی الاصل امریکایی نیز طرح هایی را ارائه کرده اند . در این مسابقه جهانی از بین ۴۲۴ پروژه ارائه شده ۴ طرح برگزیده هیئت ژوری معرفی گردیدند که پروژه اسپرکلسن از بین آنها بعنوان طرح برنده و در نزد رئیس جمهور فرانسه انتخاب گردید . پس از این ۴ طرح ۱۲ پروژه دیگر نیز موفق به دریافت دیپلم افتخار (لوح تقدیر) گردیدند .



یوهان اوتوفون اسپرکلسن پروژه اسپرکلسن



- ۱۹۸۷-۱۹۲۹ دانمارک

- دیپلمه آکادمی سلطنتی هنرهای زیبا ۱۹۵۳

- تأسیس دفتر خصوصی ۱۹۸۵

- نماینده یونسکو در یونسکو در METU ، آنکارا ۶۲-۱۹۶۰

- استاد مدعو دانشگاه دولتی اوهایو ، امریکا ۶۴-۱۹۶۳

- استاد آکادمی سلطنتی هنرهای زیبا و رئیس دانشکده معماری ۱۹۷۸

- مطالعات وسیع در مورد اروپا ، خاورمیانه و ایالات متحده امریکا با

تأکید بر معماری کلیساها ، مساجد و دیگر بناهای مونومنتال

- تحقیق در مورد کارهای لوکوروبوزیه ، فرانک لویدرایت و آلوارالتوو دیگر

معماران قرن بیستم



مسابقاتی که اسپرکلسن جایزه اول را دریافت داشته است :

- مسابقه بنیاد هنر دولت دانمارک جهت شرکت های جدید ۱۹۶۷

- مسابقه منطقه شمال جهت توسعه شهر جدید ۶۰۰۰ نفری در

کریستیان اشتاد ، سوئد ۱۹۷۱

- مسابقه کلیسای جدید در آرهوس دانمارک ۱۹۷۳

- مسابقه کلیسای جدید در فاروم کپنهاک



دریافت سایر جوایز :

- پروژه مسکونی در موس گارد ۱۹۶۸
- پروژه مسکونی ریسکوف ۱۹۶۸
- استادیوم در سولبرگ استرلند ۱۹۶۹
- پروژه مسکونی در گلاکساکس ۱۹۷۰
- آسمان نما در کپنهاک
- ساختمان مجلس در استکهلم ، سوئد ۱۹۷۲
- کلیسا در هولت ۱۹۷۵



کارهای اجرائی :

ساختمان اداری مسکونی خصوصی در هورشولم ۱۹۵۸

کلیسای سن نیکولای ، هویدور ، کپنهاک ۱۹۶۰

کلیسای سن نیکولای ، اسپرگ ۱۹۶۹

کلیسای وانگد ، کپنهاک ۱۹۷۴

کلیسای استان شولت ، فاروم ، کپنهاک ۱۹۸۲



ایده های اصلی پروژه طاق دفانس :

برخی نظرات و ایده های کلی و اصلی در مورد این بنای باشکوه و ماندگار
به شرح زیر می باشد :

- بنا به صورت یک مکعب باز طراحی شده

- پنجره ای است به روی جهان

- دیدی است به آینده

- یک طاق نصرت مدرن می باشد

- می توان آن را به انفجار پیروزی انسان تعبیر کرد

- نشانی از امید به آینده

- فضایی است که در آن مردم می توانند برخورد آزاد داشته باشند

- در این محل زیر « طاق پیروزی انسان » مردم از سراسر جهان برای

شناخت مردم دیگر خواهند آمد.



- فضایی است برای شناسایی زمان و فرهنگ ، مذهب ، هنر ، آداب و رسوم و به ویژه محلی برای ملاقات دیگران
- در این محل می توان ارتباط با مردمان دیگر و سایر ملت ها داشت و سدهایی را که طی قرون موجب سوء تفاهمات مختلف گردیده است برطرف نمود.

- « طاق پیروزی انسان » از دور دست و از تمامی جهات نمایان است ، با نزدیک شدن به طاق مشاهده می کنیم : فضایی سر بسته که سوی دیگر آن قابل دسترسی است و مجموعه ای از فضاها به غایت طراحی شده ، مارا در بر می گیرد . می توان در سالن های این مجموعه استراحت کرده ، فنجان قهوه نوشید و نگاهی به چشم انداز پاریس داشت .



مشخصات تکنیکی بنا :

بتن مسلح پیش تنیده که مصالحی ایده
ال برای اسکلت ساختمان میباشد ،
انتخاب گردیده که نهایتا باید بار بسیار
سنگینی را تحمل نماید . (حدود
۳۰۰۰۰۰ تن) که در مقایسه با برج
ایفل (۷۵۰۰ تن) تقریبا ۴۰ برابر بیشتر
میباشد .



این مصالح می تواند در برابر حرارت و گذشت زمان نیز مقاومت مطلوبی از خود نشان دهد . شیشه نیز پوشش بخش وسیعی از سطح ۴ هکتاری کل نمای طاق دفانس را بر عهده دارد ، کادر اصلی اسکلت طاق از ۴ ستون عمودی بتنی مسلح پیش تنیده با زاویه ۴۵ درجه حجم طاق را مشخص می نماید و این پایه های عمودی حالت بادبند را برای ساختمان های اصلی دو طرف طاق داشته که هر یک به سهم خود دیگری را و در نهایت شکل باز مکعب را در بر گرفته است .

دیوار هائی که بادبند نیز هستند . میتوانند جعبه های اطفاء حریق را در بین خود جا دهند کادر ها نیز به دال ها ملحق شده و فضاهائی را ایجاد می نمایند که جعبه هائی برای کاربردهای مختلف میباشد .



دالها نیز از بتن مسلح پیش تنیده بوده که با تحمل بارها و داشتن ضخامت های متفاوت بارها را از طریق افقی به کادر ساختمان منتقل مینمایند .

چهار قالب بزرگ توازن مجموعه طاق را از شمال به جنوب تامین نموده و در نهایت پی ها تمام فشارها و سنگینی این بنای عظیم را تحمل می نمایند .

۱۲ پایه بتنی طاق با سنگ مرمر پوشانده شده است . بطوریکه ذره ای از بتن برای بیننده نمایان نمی باشد .

وزن ساختمان از طریق بالشتک ها و سر ستون ها به ۱۲ پایه منتقل می گردد (هر طرف ۶ عدد) که هر کدام وزن معادل ۲۵۰۰۰ تن را تحمل می نمایند .

اسکلت ساختمان طوری شکل گرفته است که کوچکترین درز انبساطی در آن وجود ندارد .





این پروژه از مکعب هایی به ابعاد $21 * 21 * 21$ متر تشکیل گردیده است که هر یک شامل ۷ طبقه و در نهایت ، ارتفاع ساختمان در هر طرف شامل ۳۵ طبقه و ۲۵ فضای مکعب شکل بوده که در نتیجه مجموعه مکعب ها در دو طرف ۵۰ عدد می باشد .

همچنین در نتیجه استفاده از انرژی خورشیدی و مجهز بودن واحدهای مختلف این بنا به سیستم اکومولاتور ، مصرف انرژی به میزان کمتر از معمول می باشد .

نظرات و توصیه های هیئت ژوری :

هیئت ژوری در مورد پروژه منتخب که از طریق اسپرکلسن خالق آن « طاق پیروزی انسان » نامیده شده است اظهار می دارند که نامبرده دروازه مکعبی شکل بزرگ را ، با کمی اختلاف زاویه نسبت به محور تاریخی عرضه می کند .

در پائین طاق فضائی با ساختاری سبک ، مرکز ارتباطات بین المللی می باشد و بالها دو طرف طاق هر کدام وزارتخانه ها و سرویس های مربوط به آن را تشکیل می دهد . هیئت ژوری این پروژه را بخاطر واضح بودن سوژه و مفهوم معماری آن و همچنین بخاطر ماهیت قوی فیزیکی اش و بخاطر سادگی و شکل های مشخص و در عین حال شاعرانه اش از دیگر پروژه ها ممتاز می شناسد .



همچنین به خاطر طرح بنا که از نقاط اصلی تاریخی با تناسبات بسیار خوب دیده می شود و به خاطر ابعاد ۱۱۰*۱۱۰ متر خود که عمارت موزه لوور و حیاط چهارگوش آن را تداعی می کند و به خاطر ورودی باز آن که سرتاسر عمارت را در بر می گیرد و باحجمی باز فضاهای متعددی را ایجاد کرده است و همچنین جهت مطابقت با کاراکترهای خاص مرکز ارتباطات بین المللی و همچنین هماهنگی و مجاورت با محیط ، این پروژه انتخابی گردیده است .

این پروژه همچنین احساس هم زیستی بسیاری با محیط و ساختمان های اطراف خود را داشته و تا حد زیادی کمبودهای شهرسازی تفت دافنس را مرتفع می سازد .

همچنین از نظر ارزیابی تکنیکی این پروژه از هر حیث قابل اجرا بوده و اسکلت و نمای آن از زیبایی خاص برخوردار است .





نمای عمومی طاق بستان



له کولین-پاریس
ژان پیربوفی



پروژه له کولین
اثر : ژان پیر بوفی
برنده مسابقه ۱۹۹۰-۱۹۸۶

امروزه با اتمام رسیدن پروژه طاق دفانس و همچنین دیگر برجهای ان محله از قبیل برج فیات ، نمایشگاه CNIT ، دفانس تبدیل به یک محله بسیار مدرن گردیده است . از خصوصیات محله دفانس علاوه بر مدرن بودن و سادگی ، استفاده از برجهای بزرگ می باشد.

انسان و ماشین را بوسیله همین اثار و بولوورها از هم جدا نموده و پراکندگی ساختمانها در این سایت وسیع با رعایت شیب مناسب پرسپکتیوی ایجاد کرده به محور تاریخی شرقی و غربی شهر پاریس منظره ای جالب را پدید آورده است .



پروژه کولین در دو طرف طاق دفانس قرار گرفته است . ژان پیر بوفی برنده مسابقه و منتخب هیئت اجرای این پروژه را نیز بعهدہ گرفته است . مسابقه در سال ۱۹۸۶ برگزار شد و تاریخ بکار پروژه ۱۹۸۸ و زمان پایان آن ۱۹۹۰ می باشد .

این پروژه به مساحت ۱۲۰۰۰۰ متر مربع در دو قسمت شمالی و جنوبی که هر کدام به وسعت ۹۰۰۰۰ متر مربع و ۳۰۰۰۰ متر مربع می باشد طراحی گردیده است .

این پروژه شامل فضاهای اداری ، تجاری و همچنین یک شبستان در واحد شمالی و فضاهای جهت پارک ۴۰۰ اتومبیل و همینطور یک رستوران است . پروژه کولین که به شکل شانه می باشد و قسمت شمالی آن را شبستانی از شیشه در بر گرفته است . عمود بر محور تاریخی پاریس می باشد . این شبستان به موازات طاق دفانس همان مساله محور را رعایت کرده ، به طوریکه شبستان کولین نیز نسبت به محور اصلی همان ۶ درجه اختلاف را دارا می باشد .

در این پروژه استفاده از شیشه اهمیت بسیاری داشته ، بطوریکه قسمتهای زیادی از نماهای خارجی و همینطور شبستان از جنس شیشه میباشد که این تراکم بسیار بالا ولی ارتفاعی مناسب ، پرپکتیو خوبی را در همسایگی طاق دفانس ایجاد نموده و بنحو احسن هماهنگی لازم را از نظر زیبایی شهری و معماری دارا می باشد .

از خواص شیشه در معماری اینست که انسان قبل از ورود به محل ، دید به آن محل پیدا میکند در این پروژه که تحقیقات بسیاری در مورد کاربرد شیشه ای پیدا شده است ، بازی با نور از طریق نماهای شیشه ای و علی الخصوص شبستان شیشه ای که خود مرتبط با کلیه اجزاء ساختمان ورودی تالار هاست ، به طرز جالبی هماهنگ می باشد . نور های سفید و طلایی و ابی از طریق شیشه ها در ساعت مختلف به داخل ساختمان می تابد که از نظر اب و هوایی نیز متناسب میباشد .



مرکز اجتماعات بین المللی توکیو-ژاپن
رافائل وینولی





رافائل وینولی

متولد بوئنوس ایرس - ارژانتین ۱۹۴۲
فارغ التحصیل دانشکده معماری و شهر سازی

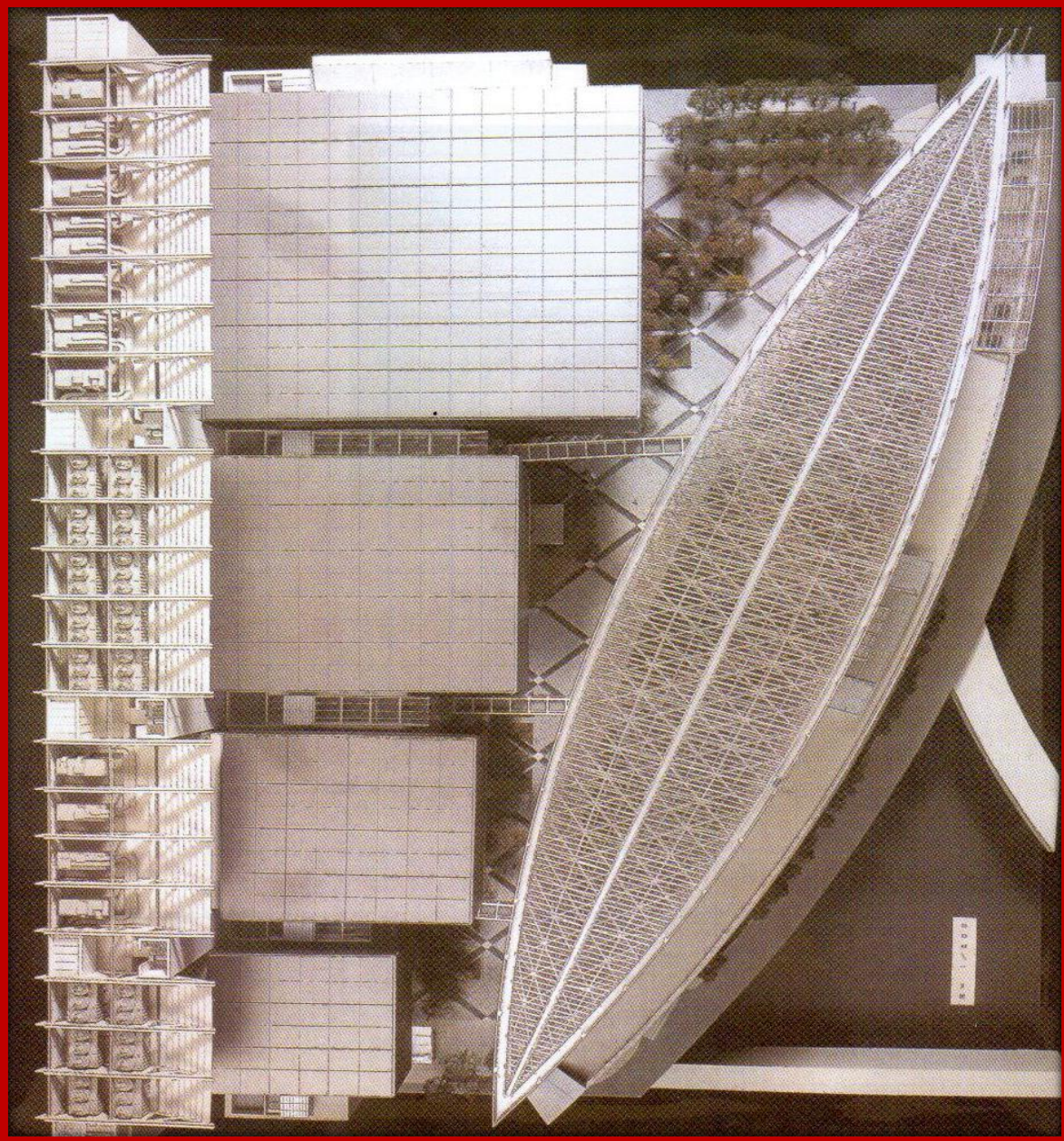
دانشگاه بوئنوس ایرس ۱۹۶۹
-مهاجرت به آمریکا و تاسیس دفتر شخصی

۱۹۷۹

برنده مسابقه جهانی (مرکز اجتماعات بین

المللی توکیو) ۱۹۹۰





مرکز اجتماعات بین المللی توکیو ۱۹۹۰

طراح و برنده مسابقه : رافائل وینولی

در فوریه ۱۹۹۰ شهردار توکیو شونی چی سوزوکی ، در مراسم پذیرائی که در تالار شیروگان توکو تشکیل گردیده بود ضمن اعلام نتایج مسابقه جهانی مرکز اجتماعات بین المللی توکیو (T I F) اظهار می دارد که این مجموعه در مرکز شهر توکیو ساخته خواهد شد .
این مسابقه اولین مسابقه جهانی است توسط > اتحادیه بین المللی معماران < برای ژاپن برگزار می گردد .



۳۹۵ پروژه از ۵۰ کشور جهان در این مسابقه عرضه گردیده است که برندگان آن بشرح زیر میباشد :

- ۱- رافائل وینولی امریکا برنده جایزه بزرگ (نفر اول)
 - ۲- تو مو هیسایوری (ژاپن) برنده جایزه دوم
 - ۳- شوئی هاشی موتو(ژاپن) برنده جایزه دوم
 - ۴- جیمز استرلینگ (انگلستان) برنده جایزه دوم
- ۱۲ پروژه دیگر نیز برنده دیپلم افتخار گردیده اند.
- ۱۶ برنده مسابقه از جمله رافائل وینولی در این مراسم شرکت داشتند و مورد ستایش و تمجید شهردار توکیو قرار گرفتند .

بعد از سخنرانی شهردار توکیو ، کنزوتانگه و اردراریسکون نظرات و توصیه های هیئت داوران در مورد پروژه های برنده را اعلام می نمایند .



برنامه پروژه مرکز اجتماعات بین المللی توکیو (T I F) بسیار پیچیده بوده و شامل فضاهای زیر می باشد :

۴ سالن اجتماعات (۵۰۰ نفره- ۱۵۰۰ نفره - ۲۰۰۰ متر مربع - ۴۰۰ متر مربع) ، ۴۰ اتاق ملاقات ، تسهیلات پذیرائی ، ۲ فضای نمایشگاهی (۴۰۰۰ متر مربع - ۱۰۰۰ متر مربع) ، مرکز اطلاعات ، سالن ارتباطات ، استودیو ها گالریها و رستورانها .

طرح برنده بوسیله رافائل وینولی معمار ارژانتینی الاصل امریکائی ، با مهارت و استادی از ترکیب فرم های ساده مکعب و یک استراکچر زیبای فولاد و شیشه که تبعیت از انحنای خط آهن مجاور ان می نماید ، تشکیل گردیده است . (طرح این استراکچر فولاد و شیشه را << موز >> می نامد) .



تضاد بین مکعب های محکم و حجیم و انحنای خوشایند شیشه ، ارتباط خوبی را بین فضاهاى پر و خالى جهت مکانى برای ارتباط بوجود آورده است .

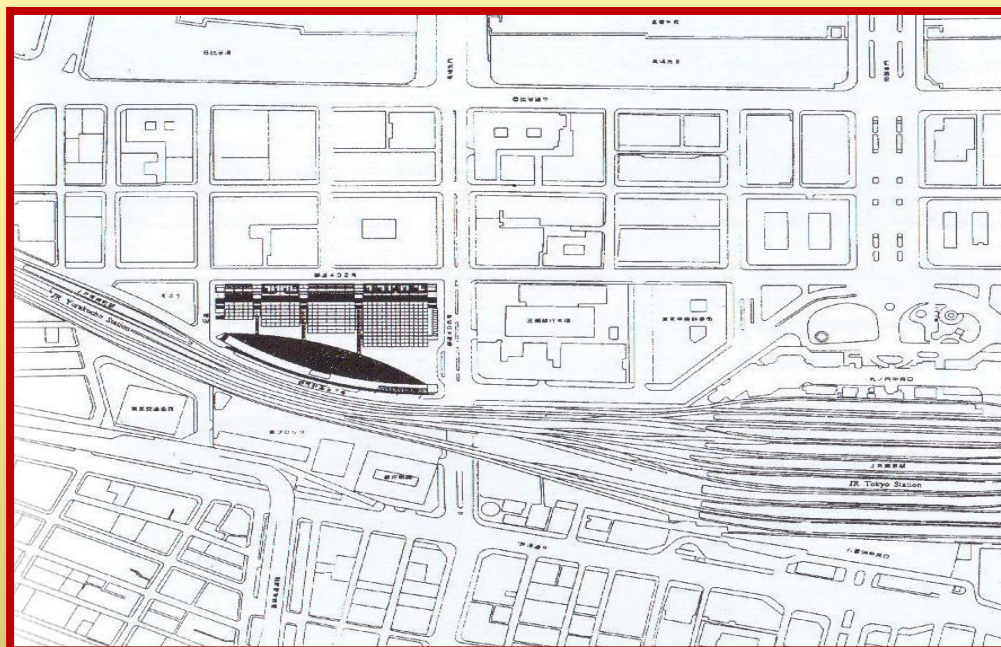
بعضى از منتقدین عیده دارند که این اثر در مقایسه با سایر آثار معماران خارجى در توکیو ، گو اینکه باب سلیقه روز و تجارتى مى باشد . در عین حال کمى خشک و معمولى بنظر مى رسد .

همچنین طرح خیالى وینولى یک مثال قوی از مدرنیسم ارتودوکس مى باشد .

طرح بنا ضمن اینکه حس مقیاس بزرگ را در انسان بوجود مى آورد ، در همان حال به زندگى خصوصى انسان نیز توجه دارد . شاید این موضوع ناشى از تجربیات غنى وینولى در پروژه هاى با مقیاس شهرى بوده و او این مجموعه را با در نظر گرفتن فرهنگ و دیدگاههاى شهرى طراحی کرده است .



فضای داخلی و دید به پله برقی



سایت پلان

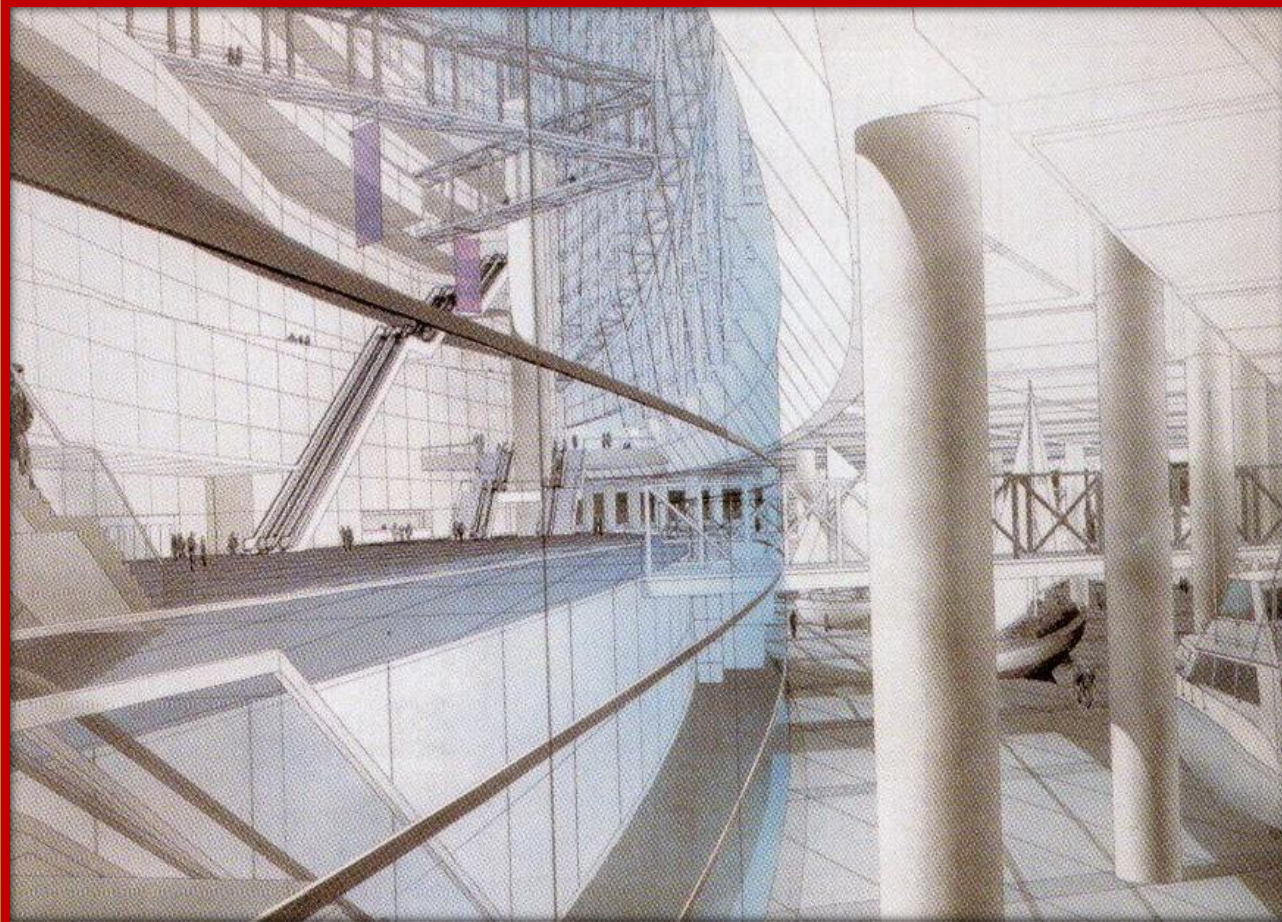


پرسش دیگر اینست که یکی از خواسته های برنامه پروژه ، سمبلیک بودن ان در توکیو بود در این مورد چه فکری کرده اید ؟
وینولی پاسخ می دهد :

طبیعت سمبلیک پروژه موضوع بسیار مهم و در عین حال خطرناکی بود . با نگاه به خیلی از پروژه های وارد به مسابقه ، شما یک طیف وسیع از راه حل هائی که میتوان در نظر گرفت را در مقابل خود می بینیم ، با درک و فکر اینکه ((سمبل)) چیست . اگر بخواهیم صریح بگوئیم ما از ابتدا احساس کردیم که پروژه باید وضوح داشته باشد . وضوح بهترین راهی بود که این فرصت را بوجود می آورد تا پروژه در راه طبیعی اش قرار گیرد .

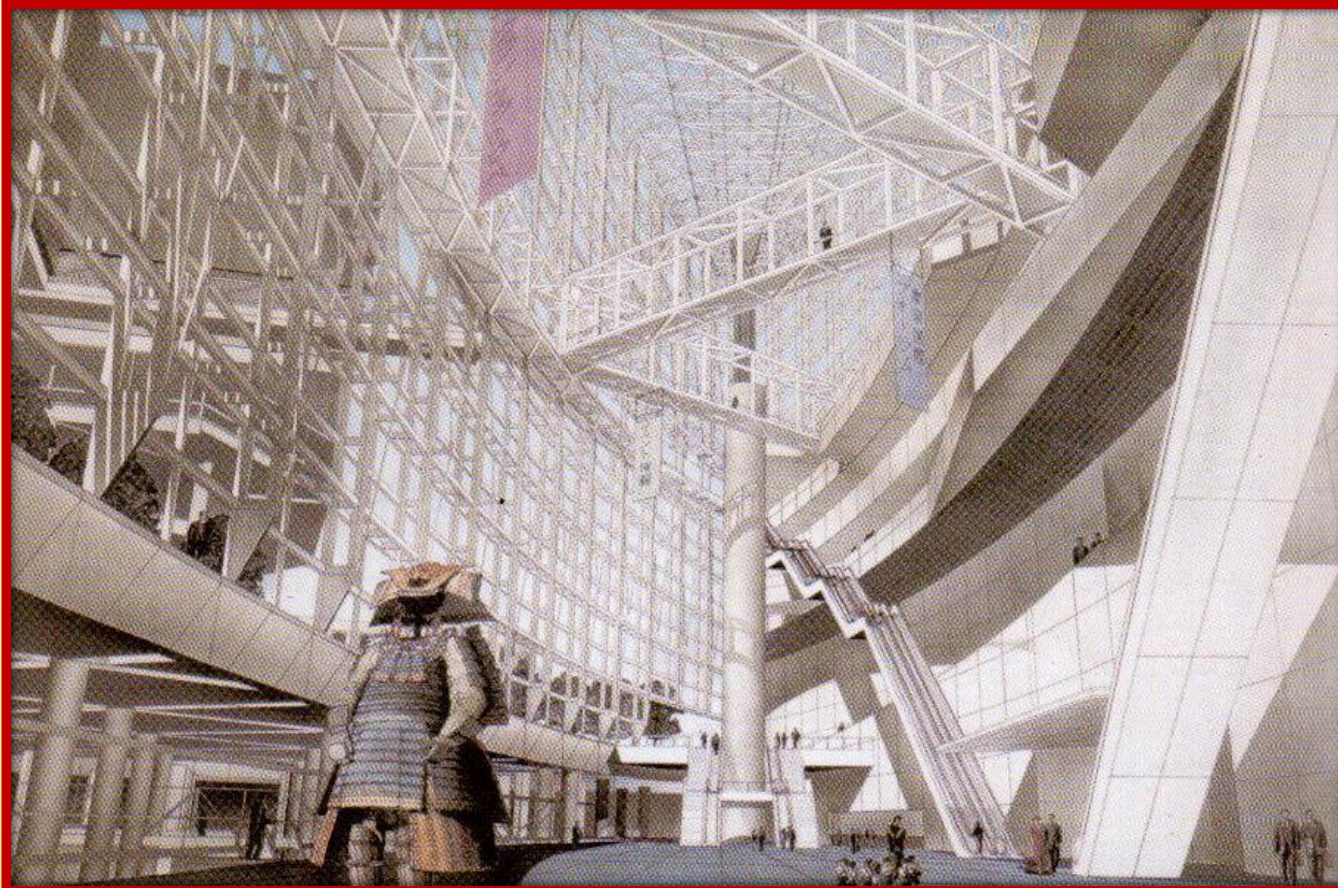
من باور دارم که در راه حل ها خیلی پیچیدگی است ، گو اینکه در ابتدا ساده بنظر می رسد . بنظر من سمبلیک بودن طبیعت پروژه در برنامه هست . یقین دارم که برنامه قادر است هر بنائی را یا هر راه حلی را برای بنا تبدیل به چیزی کند که نشانه بشود .





پرسپکتیو داخلی از فضای نمایشگاه





پرسپکتیو داخلی



فرودگاہ بین المللی کانسائی-ژاپن
رنزو پیانو





فرودگاه بین المللی کانسائی ساختمان ترمینال مسافری اوزاکا- ژاپن

برنده ی جایزه ی اول: رنزوپیانو
جهت شرکت در این مسابقه از ۱۵ مهندس مشاور از کشورهای مختلف
جهان و به شرح زیر دعوت به عمل آمده است:

- رنزو پیانو (ایتالیا)
- نورمن فاستر- اوبی یاشی (انگلیس- ژاپن)
- ناکو- ریکاردو بوفیل (هلند- اسپانیا)
- آی. ام. پی- کوماگائی گومی (آمریکا- ژاپن)
- کازوهیرو ایشی (ژاپن)



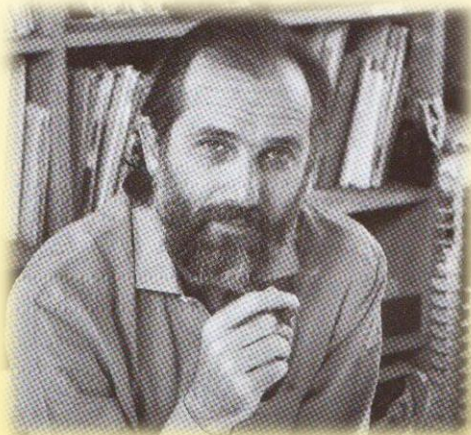
- ژان نوول (فرانسہ)
- کیونوری کی کو (ژاپن)
- یاسوئی (ژاپن)
- کاجیما- ہلموت- اوباتا (ژاپن- آمریکا)
- آکس ساتوف (ژاپن)
- کیوشی سیکہ- جی دی آرک- بی دی آ (ژاپن- آلمان غربی)
- پروفیسور اونگرس (آلمان غربی)
- برنارد چومی (امریکا)
- الرب بکت- پارسونز- شیمیزو (امریکا- ژاپن)
- سزار پلی- تاکہ ناکا (امریکا- ژاپن)



ھیئت داوران:

- یوشیو تاکه یوچی (رئیس هیئت داوران)
- رئیس شرکت هواپیمایی بین المللی کانسائی - ژاپن
- تورو آکی یاما (ژاپن)
- سوئیچی نی شی مورا (ژاپن)
- آراتا ایسوزاکی (ژاپن)
- کیوشی کاواساکی (ژاپن)
- کیشو کوروکاوا (ژاپن)
- هلموت یان (آمریکا)
- ریچارد راجرز (انگلیس)





رنزو پیانو

- متولد شهر جنوا در ایتالیا ۱۹۳۷
- فارغ التحصیل مدرسه ی معماری پلی تکنیک میلان (ایتالیا) ۱۹۴۶
- کار با فرانکو آبینی، لویی کان (در پنسیلوانیا) و ماکوفسکی (در لندن) ۱۹۶۵-۷۰
- همکاری با ریچارد راجرز (معمار انگلیسی) از سال ۱۹۷۰
- برنده ی اول مسابقه ی جهانی مرکز فرهنگی ژرژ پمپیدو در پاریس (فرانسه) با همکاری ریچارد راجرز ۱۹۷۱
- شریک با شونجی ایشیدا و فلاویو مارانو در جنوا، با برنارد پلاتنر در پاریس و با نوریاکی اوکابه در اوزاکا (ژاپن)



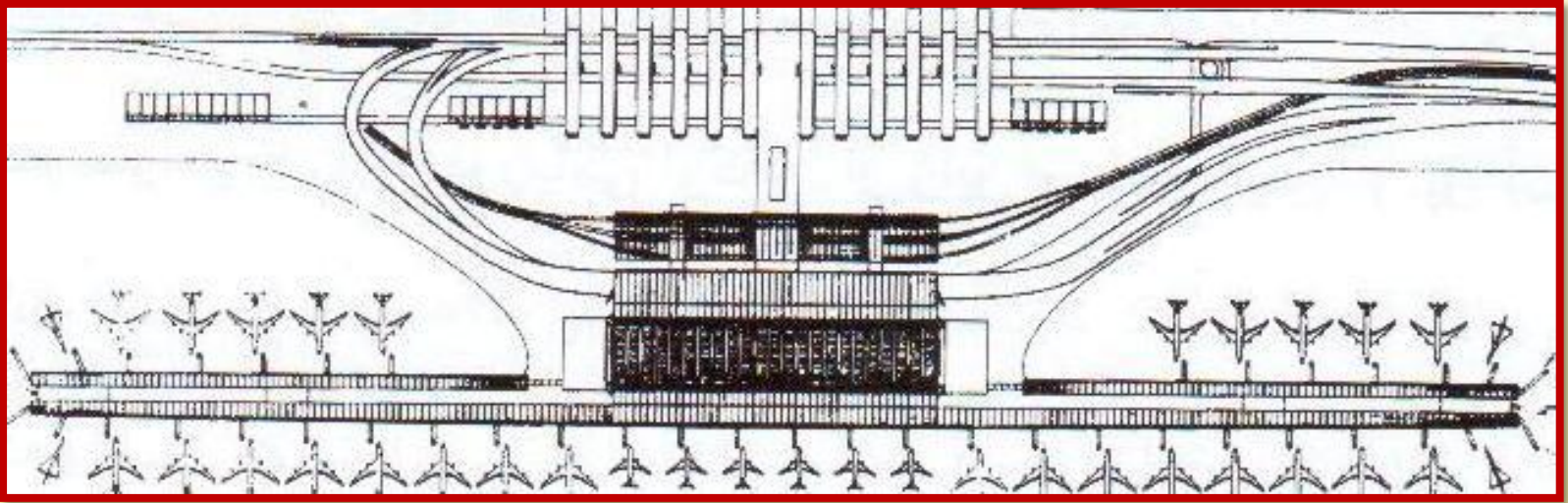
- همکاری با پیترا ریس از سال ۱۹۷۷
- دریافت جایزه اتحادیه بین المللی معماران در مکزیکوسیتی ۱۹۷۸
- همکاری با ریچارد فیتز جرالد در هوستون (آمریکا) از سال ۱۹۸۰
- دریافت جایزه پرگار طلایی و عضویت افتخاری انجمن معماران آمریکا ۱۹۸۱

- استاد مهمان در دانشگاه کلمبیا (نیویورک)، دانشگاه پنسیلوانیا (فیلادلفیا)، مدرسه ی معماری اوسلو، پلی تکنیک مرکزی لندن و مدرسه ی معماری لندن.

- دریافت جایزه ی هنر و ادبیات (فرانسه) ۱۹۸۴
- دریافت جایزه ی لژیون دونور (فرانسه) ۱۹۸۵
- عضویت افتخاری انجمن سلطنتی معماران انگلیس (لندن) ۱۹۸۶
- برنده ی جایزه اول مسابقه ی جهانی فرودگاه بین المللی کانسائی اوزاکا (ژاپن) ۱۹۸۸

- دریافت جایزه ی ریچارد نوتر
- دریافت جایزه ی بنیاد دوستداران کیوتو





فرودگاه بین المللی کانسائی



رنزو پیانو معمار ایالیایی (به همراه ریچارد راجرز معمار انگلیسی) پس از برنده شدن در مسابقه ی بین المللی مرکز فرهنگی ژرژپمپیدو در پاریس (۱۹۷۱) و با آن همه نوآوری که بینندگان زیادی را از سراسر جهان برای دیدن آن به پاریس کشاند که هنوز هم ادامه دارد، پس از گذشت ۱۷ سال در کار دیگری و متفاوت از مرکز فرهنگی، مسابقه ی ساختمان ترمینال مسافری فرودگاه بین المللی کانسائی ژاپن را با تبحر و ابتکارات فراوان برنده می شود. (۱۹۸۸) مسابقه ای که موضوع بحث های داغی در مجامع معماری ژاپن گردید. طرح برنده مسابقه مناسب ترین طرح از میان ۱۵ طرح شرکت کننده برای ترمینال قرن بیست و یکم با تکیه بر ترکیب بسیار خوب طبیعت و معماری انتخاب گردیده است.



ساختمان ترمینال مسافری:

ایده‌ی اصلی در طراحی ساختمان ترمینال مسافری فرودگاه بین‌المللی کانسائی شکل آئرودینامیکی و احتمالاً حالت هواپیمای بعد از فرود بوده است. از آغاز عصر حمل و نقل هوایی و در ابتدای این قرن رویا و اشتیاق انسان برای پرواز در هوا به طرق مختلفی توسط آینده‌نگرها و پیشروهای روسی مجسم شده بود. یک مجسمه ساز اهل رومانی و یکی از اساتید هنر مدرن به نام کنستانتین برانکوزی (۱۹۵۷-۱۹۸۷) مشتاق پرواز بوده اشتیاقی که مدت‌ها بشر قرن بیستم نیز خود احساس می‌کرد. وی توانست این شوق را به طور عالی در شکل زیبای آئرودینامیکی مجسمه‌ی آستره‌ای به نام «پرنده در فضا» متبلور سازد. کمال نامحدود این مجسمه همیشه به طور شاعرانه‌ای الهام بخش افرادی بوده که در پی شکل‌های سیالی بوده‌اند.



در سال ۱۹۸۸ وقتی مسابقه ی طراحی فرودگاه بین المللی کانسائی برگزار شد، محلی که در آن طرح پروژه می بایست اجرا می شد هنوز در زیر آب بود و تنها کار ساختمانی که در آن جا جریان داشت ریختن یک میلیون توده ی شنی در بستر دریا و در عمق ۱۸ متری بود. جزیره ای که فرودگاه در آن واقع است در یک محیط جغرافیایی خیلی خاصی قرار گرفته و با مساحت ۵۱۱ هکتار (۳۷/۴ × ۵/۱ کیلومتر) یک مدار بسیار بزرگ و کاملی را تشکیل می دهد که در ارتباط سرعت و تکنولوژی، نشان اختصاصی کاملاً متفاوتی از «زمان - فضای دینامیکی» موجود شهرها و طبیعت را دارا می باشد.



مقیاس و حرکت هواپیما در فرودگاه جزیره که از محدودیت های زمینی آزاد می باشد تعیین کننده ی حجم اصلی ساختمان است. ترمینال با ۴۱ مدخل ورودی و خروجی که به پل های مستقیم اطراف متصل هستند به صورت مجتمعی شامل یک ساختمان ترمینال اصلی (ATM) می باشد که تمام فضای آن به چهار سطح تقسیم شده تا با عملکردهای اضافی و مسیرهای رفت و آمد شامل پیشخوان های بازرسی برای هر دو خطوط داخلی و بین المللی، مهاجرت، گمرک، بازدید چمدان ها و غیره تطبیق نماید. ایجاد فضای داخلی گسترده ای بدون دیوارهای مجزا کننده که در زیر سقف پیوسته ای با ساختار ۰۰۰/۹۰ متر مربع بسط یافته موضوع اصلی این پروژه بوده است. شکل و اندازه ی سقف (ATB) طوری طراحی شده تا با طرح پخش جهشی هوا که در طول سقف می وزد و قسمتی از یک سیستم تهویه است (سیستم کنترل هوای ناحیه ی محدود) که برای جلوگیری از کوران های هوای سرد نصب می گردد منطبق باشد.





توضیح کاربری ها در سایت:

- ۱- باند ترمینال مسافران
- ۲- باند فرود
- ۳- محوطه ی جابه جایی هواپیماها و فرود
- ۴- ترمینال حمل بار بین المللی
- ۵- ترمینال حمل بار داخلی
- ۶- نگهداری و سرویس قسمت تسهیلات
- ۷- محل ذخیره و مصرف
- ۸- محل تسهیلات اداری
- ۹- ایستگاه راه آهن / پارکینگ
- ۱۰- دسترسی از طریق دریا



۱۱- دسترسی از طریق پل ورودی

۱۲- محل بنزین گیری

۱۳- قسمت ضمیمه (ATB)

۱۴- محل عزیمت منحنی شکل

۱۵- تنگه

۱۶- محل استراحت قبل از عزیمت

۱۷- پیشخوان بازرسی

۱۸- حفاظت



خرپاهای سقف که به صورت غیرمستقارن هستند با دهانه ی ۸/۲۸ متر طراحی گردیده اند.

اضلاع جانبی ساختمان از بالا به طرف پایین حالت مخروطی (باریک شونده) به خود می گیرند تا مانع دید برج مراقبت نشوند. برای انجام این کار شکل سقف بال مانند و گرفته شده از شکل هندسی حلقوی است که این شکل از یک سری مقاطع منحنی با حالتی مدور که مرکزشان در محور منفردی قرار دارد تشکیل شده است. در نتیجه این امکان به وجود می آید تا تمام سطح سقف با ۰۰۰/۸۲ پانل یک اندازه پوشانده شود.



ترمینال طور است که طبیعت خارجی را به خودی خود برای مسافرین در حال حرکت در طول ساختمان منعکس می نمایند.

به عقیده من سازه مخصوص یک ترمینال هوایی بایستی نموداری از حرکت مردم در درون آن باشد و تمام عناصر سازنده فضا مانند نور، صدا و جابه جایی هوا بایستی کمک به مقاصد حرکتی بنمایند.

- مقطع منحنی آیرودینامیکی سقف منطبق با ورش و حرکت هوا می باشد که از طرف زمین به طرف بالای ساختمان در جریان است.

- سازه طاق ها با دو شکاف طولی برای ما یادآور بدنه هواپیما می باشند.

- قسمت وسیعی از سکو نیز برای تصور یک جزیره جنگلی درخت کاری می شود.

- هنگامی که جزیره توسعه پیدا کند حاشیه سبز موجود مانند ادامه ی یک محیط طبیعی به نظر خواهد رسید.



- گیاهانی انتخاب می گردند که با آب نمک دار بتوانند تطبیق داده شوند.
- ردیف های مستقیم درختان تکمیل می شوند و رشد طبیعی آن ها محوطه را به وجود می آورد.
- روش یکسان درخت کاری، نگهداری گیاهان در اندازه های مختلف را ممکن می سازد.
- وجود پرندگان منحصر به زندگیهای تربیت شده می باشد.
- تمامی سازه بنا در عین حال که حساس و ظریف می باشد از قدرت، دقت و مقاومت بسیار بالایی نیز برخوردار است.
- ضمن ریشه داشتن در تصورات گذشته دارای تکنولوژی نوین نیز می باشد. این ساختمان می تواند یک کارگاه بزرگ در پایان این قرن به حساب آمده و کلاً موازنه جدیدی بین تکنولوژی و طبیعت، ماشین و انسان، آینده و گذشته باشد.»



- خرپاهای سه بعدی بار سقف را مانند طاق های قوس دار تحمل می کنند. (با این تمهید خرپاها ظریف تر شده اند)
- ساختمان ۴ طبقه بوده و در زیر زمین مرکز تاسیسات قرار دارد توزیع هوا به وسیله ی کانال های هوازی آزاد با سطوح نرم و با پوشش تفلون و فایبرگلاس مسلح انجام می گردد.
- نوریاکی اوکابه همکار پیانو در این طرح می گوید: «برای پیانو مکان جزیره فرصت خوبی بود تا شکل جدیدی از محل بگیرد که آن هم ضرورت نداشت با همان منطقی باشد که طراحی یک ساختمان در شهر لازم دارد.»



سرانجام در سال ۱۹۹۴ روزنامه ها و مجلات به نقل از خبرگزاری ها و تحت عنوان «فرودگاه جدید ژاپن» بر روی یک جزیره مصنوعی افتتاح شد چنین نوشتند:

این فرودگاه که در جنوبایالت اوزاکا واقع شده به وسیله ی یک پل دو طبقه چهار کیلومتری یک بزرگراه و یک گذرگاه به ایالت اوزاکا وصل شده است. فرودگاه کانسائی اگرچه دارای تنها ۳۵۰۰ متر باند است اما با استفاده از آخرین تکنولوژی روزانه ۴۵۴ هواپیما می توانند از این باند خارج و یا وارد شوند و فرودگاه پذیرای ۶۸۰۰۰ مسافر و ۳۰۰۰ تن محموله بار می باشد. برای ساخت این فرودگاه در حدود ۲ میلیارد دلار هزینه گردیده است. این هزینه ساخت تاسیسات فرودگاهی بر روی جزیره مصنوعی، زمین فرودگاه کانسائی را بدل به گران ترین اراضی خارج از منطقه مرکزی شهر توکیو کرده است.



مسجد سفید شریف الدین-بوسنی
زلاتکواو گلین



جایزه ی معماری آغاخام

۱۹۸۳

جایزه ی معماری آغاخان هر سه سال یک بار به بهترین آثار معماری در کشورهای اسلامی اهداء می گردد. اولین جایزه از سال ۱۹۸۰ شروع گردیده است. هیئت داوران در هر دوره کارهایی را اعم از طرح های معماری، کارهای دستی، مرمت بنا و استفاده مجدد از بناهای تاریخی را انتخاب نموده جوایزی به آن ها داده و به چاپ می رساند.

در سال ۱۹۸۳ هیئت داوران ۱۰ اثر را به عنوان بهترین از کشورهای مختلف اسلامی انتخاب نموده اند.

در بین هیئت داوران معماران معروفی همچون جیمزاسترلینگ از انگلستان، رونالدسیمونه از فرانسه، اسماعیل سراجدین از مصر و چارلز مور از آمریکا شرکت داشته اند.

از بین ۱۰ اثر دو اثر را که دارای ویژگی های شاخصی می باشند برگزیده ایم و به معرفی آن ها می پردازیم.



مسجد سفید شریف الدین
ویسوکو، بوسنیا - هرزگوونیا، یوگوسلاویا
۱۹۸۰

طراح و برنده جایزه: زلاتکو اوگلین

«..... تهور، خلاقیت و درخشندگی این طرح فرهنگ معماری مسجد را در قرن بیستم گسترش می دهد. گرچه روشنایی و محیط داخلی این مسجد مدرن می باشد اما فضای سنتی مسجد را کاملاً تداوم می بخشد...»

ویسکوو نزدیک سارایو از جمعیت مسلمان بسیاری برخوردار است. مسجد قدیمی این محل که در کنار گورستانی قرار دارد در آتش سوزی گسترده شهری در سال ۱۹۱۱ ویران گردید. سرانجام جامعه اسلامی تصمیم به دوباره سازی و تکمیل این مسجد جهت فعالیت های فرهنگی محیط گرفت.



برنامه اولیه توسعه مسجد در سال ۱۹۶۷ شروع و در سال ۱۹۷۰ ساخت آن آغاز گردید. کامل شدن ساختمان مسجد مدت ده سال و با وقفه به اتمام رسید.

بعد از گشایش مسجد در سپتامبر ۱۹۸۰ این مسجد مرکز اصلی عبادت کنندگان در شهر گردید. در روزهای هفته در حدود ۱۵ نفر نمازگزار و در روزهای جمعه و اعیاد در حدود ۳۰۰ نفر در مسجد حضور می یابند. کل زیر بنای مسجد ۴۳۵ متر مربع و تمامی ساختمان آن بتن آرمه می باشد پوشش و رنگ آمیزی گنبد و دیوارها سفید رنگ است. کف های داخلی با موکت سبز پوشیده شده و کف سازی خارجی و گذرگاه ها از سنگ تراورتن محلی می باشد. برای بعضی از عناصر داخلی مانند محراب از چوب کاج استفاده گردیده است. سازنده و کارگران این بنا نیز همگی محلی می باشند.

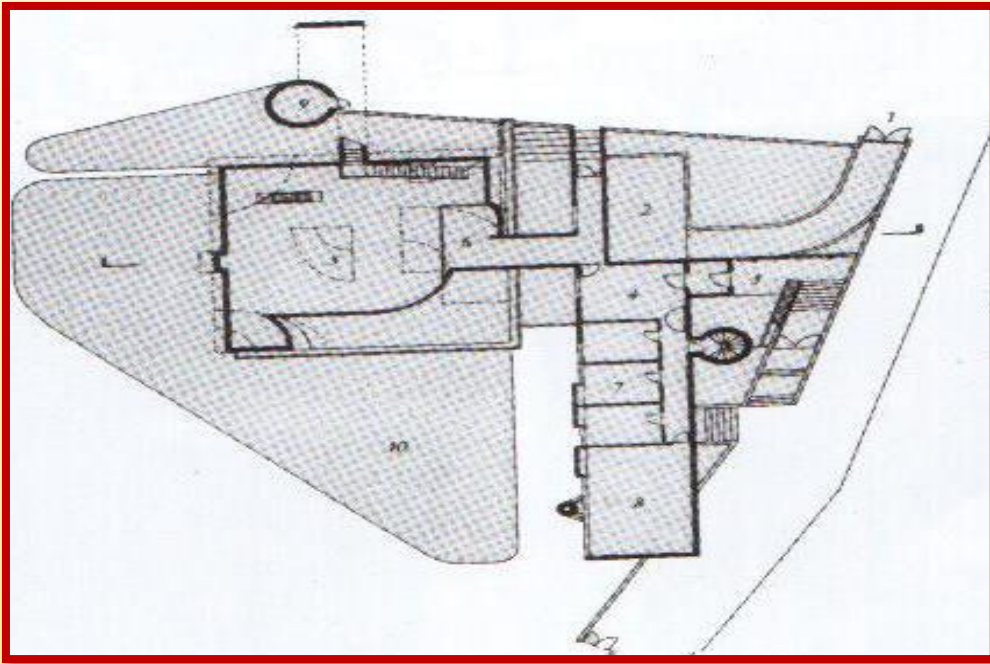


عبادت کنندگان می توانند از سطحی که کمی در زیر همکف می باشد برای ورود به مسجد استفاده نمایند. نورگیری های سقف «برجهایی از نور» را به وجود می آورند. حیاط ورودی همراه با آب نمای وضوخانه شاد به نظر می رسد. یک عنصر مهم در مسجد بازی نور و سایه جهت خلق فضای روحانی می باشد.

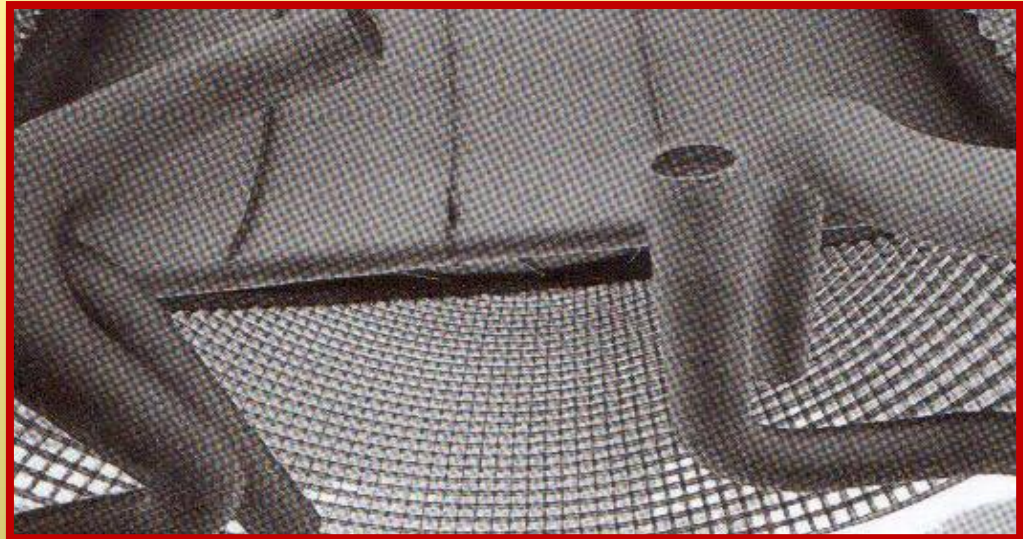
نمازگزاران از دو اختلاف سطح صاف استفاده کرده و سطح ورودی نیز همچون حیاط عمل می کند.

طرح این مسجد در عین سادگی از کاراکتر بسیار خوبی برخوردار می باشد در چشم انداز شهری و در میان سقف های شیب دار سفالین آجری رنگ، با قامت کشیده سفید، همچون یک نشانه شهری عمل می کند. در این جا گنبد را به خاطر پوشش یک فضای بزرگ و ایجاد شخصیت از دید خارج و داخل می بینیم ولی با توجه به امکانات ساخت امروزی و بتن آرمه متفاوت از شکل سازه ای کلاسیک می باشد.





پلان



داخل مناره



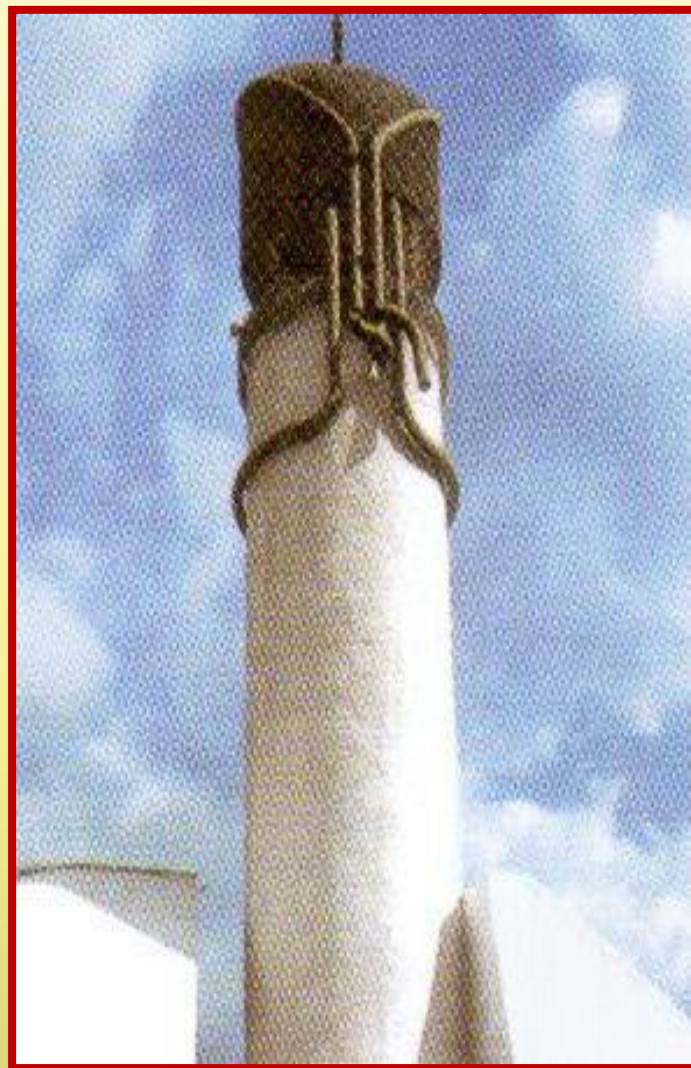
زلاتکواو گلین رنگ سفید را از همان رنگ و نام قدیمی مسجد گرفته است. (مسجد سفید شریف الدین) و با رنگ سبز که آرامش بخش می باشد ترکیب بسیار خوبی را به وجود آورده است. به عناصر سازنده فضا در مسجد نیز توجه گردیده است. نورگیری ها، وضو خانه، محراب، منبر، نقوش و خطوط و خاتمه مناره مسجد از طراحی بسیار خوب و لطیفی برخوردار می باشند.

تاکنون برای کلیساها، طرح های بسیاری توسط معماران معروف و بعضاً غیر معروف تهیه گردیده است. لیکن نمونه هایی از طرح های موفق معماری مساجد که امروزه ساخته شده باشند کمتر در دسترس می باشد. شاید بتوانیم مسجد سفید شریف الدین را یک نمونه خوب از طراحی مسجد در زمان حاضر نام ببریم که بیگانه با گذشته نبوده و زمان حال را نیز در بر دارد.



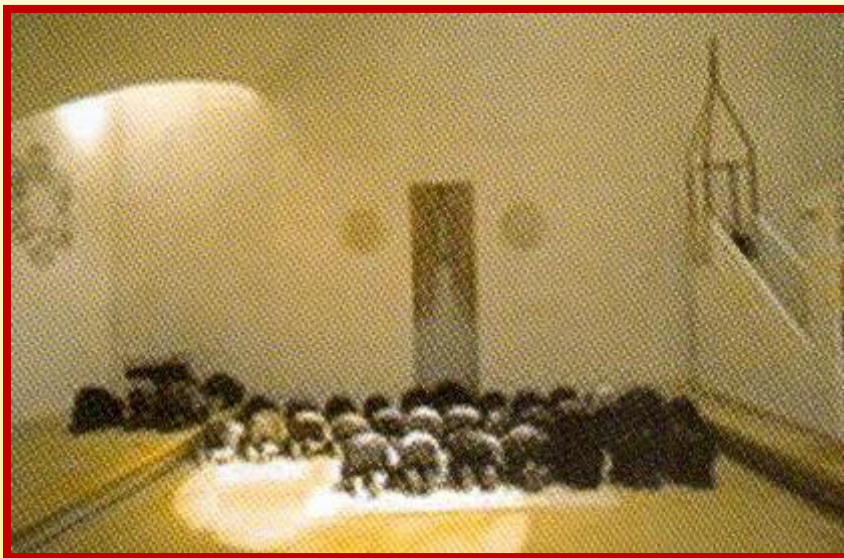


نورگیر سقفی داخل نمازخانه

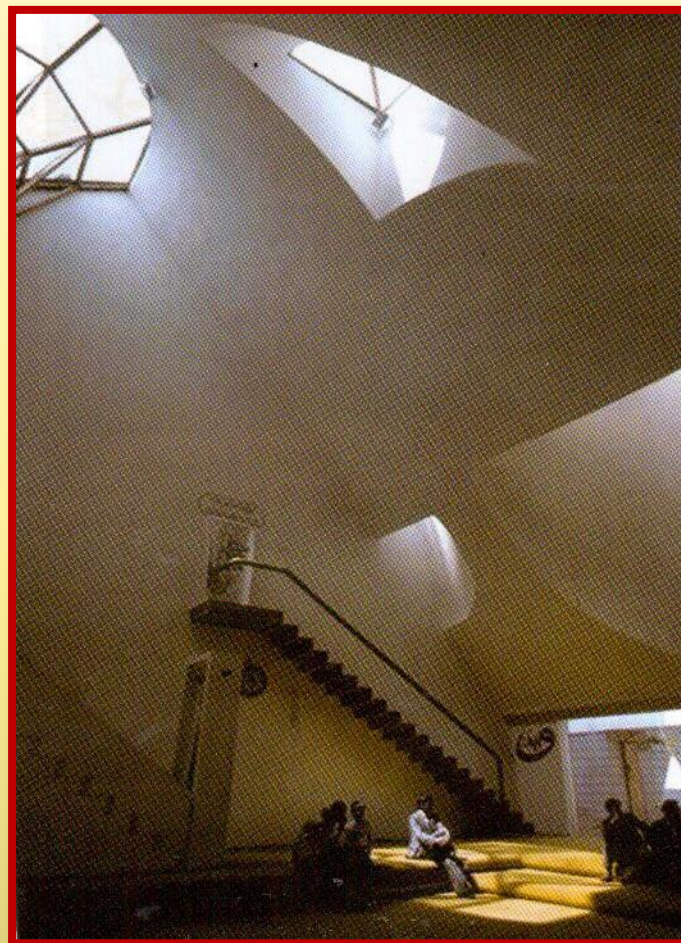


مناره مسجد





فضای داخلی مسجد و دید به منبر و محراب



نحوه نورگیری فضای داخلی مسجد



ترمينال بين المللى جدہ-عربستان
اسکيد مور، اوئینگز، مریل



ترمینال مسافری حج فرودگاه بین المللی جدّه، عربستان سعودی دریافت کننده جایزه: گوردون وایلدرموت



مشاور: اسکیدمور، اوئینگز، مریل
(نیویورک - شیکاگو)

طراحان: وایلدرموت، آلن، آرماس، فضل الله خان
«... درخشندگی و خلاقیت در طراحی سیستم سقف ها... با ظرافت و
زیبایی همراه می باشد.

... این بنا با تکنولوژی ساختمانی شناخته شده ای بدون محدودیت برپا
گردیده است... بدون شک، این طرح منبع الهامی برای طراحان خواهد
بود...»



برنامه ریزی های ترمینال حج در
اوایل سال ۱۹۶۰ تنظیم و طراحی
آن در سال ۱۹۷۴ آغاز گردید. در
تهیه این پروژه از امکانات
کامپیوتری به طور وسیعی استفاده
گردیده است و اولین نمونه یک
واحد در سال ۱۹۷۹ ساخته و
آزمایش گردید. ترمینال در سال
۱۹۸۱ به طور رسمی افتتاح شد و
در سال ۱۹۸۲ به طور نهایی
تکمیل گردید.



ترمینال می تواند ۵۰۰۰ زوار را در یک ساعت و تا ۸۰۰۰ نفر را در یک زمان جابه جا کند.

مساحت سایت در حدود ۱۰۵ کیلومتر مربع و زیر بنای ساخته شده با دو سازه یکسان و به ابعاد ۶۸۶ × ۳۲۰ متر در حدود ۴۰۰۰۰۰ متر مربع می باشد.

هر نیمی از ترمینال به دو مدل اصلی تقسیم و هر مدول نیز از ۲۱ واحد به ابعاد ۴۵ × ۴۵ متر ساخته شده است.

ترمینال در مجموع از یک ساختمان با ۵ مدول و ساختمان دیگر با ۳ مدول و یک دستگاه نگهداری اتوبوس ها تشکیل گردیده است.

هزینه ترمینال در مجموع برابر ۶۵۰ میلیون دلار گردیده است.

پی ها بتن آرمه بوده و بر روی خاک قرمز قرار گرفته اند.

دیوارها از پانل های بتن پیش ساخته و عناصر پیش فشرده تشکیل گردیده است.

چادرها با پوسته ای از فایبرگلاس پوشیده شده از تفلون که سفید رنگ می باشد ساخته شده اند و بدین وسیله می توانند ۷۵ درصد اشعه خورشید را به اطراف منعکس نمایند.

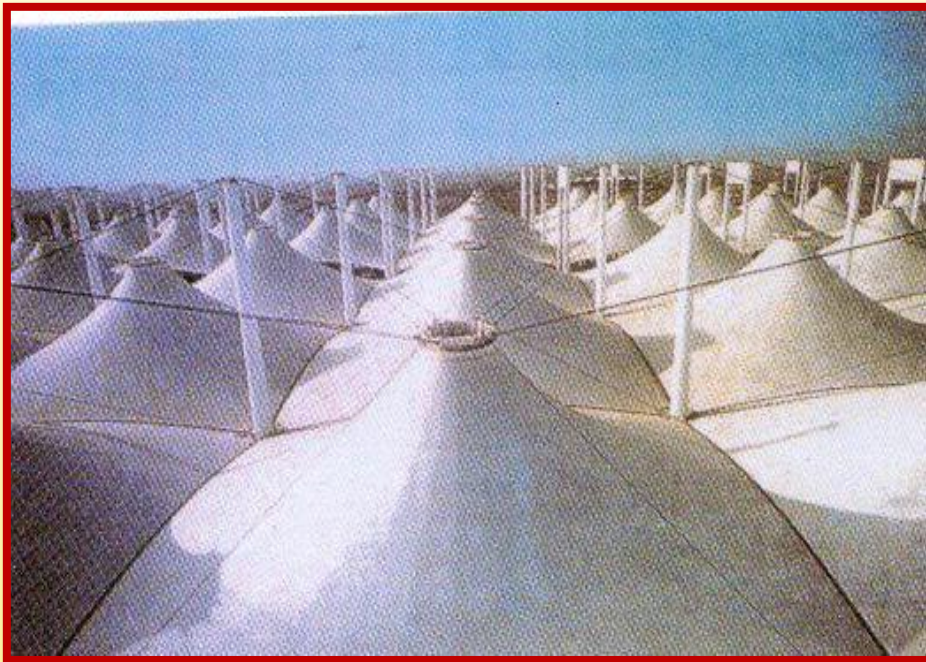
این چادرها به وسیله ی کابل های فولادی شعاعی نگهداری می شوند که احتمال می رود ۳۰ سال دوام داشته باشند.

ساختار بنا از ردیف های تکراری یکسان ترکیب گردیده که از دید بالا دارای یک تصویر قوی و ماندنی می باشد.

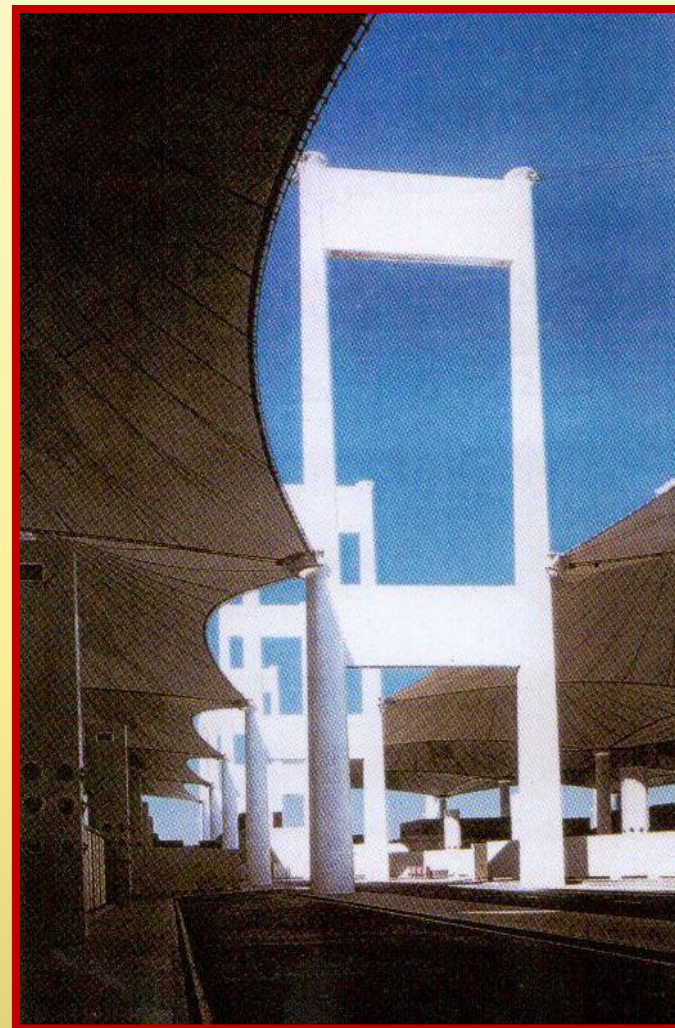
پوسته چادرها به وسیله کابل ها و حلقه های فولادی به ستون ها متصل می شوند و هر واحد در مدت ۴۵ روز برافراشته می گردد.

ستون های فولادی به تعداد ۴۴۰ عدد چادرها را تحمل می کنند. ستون های به ارتفاع ۴۵ متر از پایین به بالا باریک می شوند در پایه ی ۴/۲ متر و در انتها ۲/۱ متر قطر دارند.

لبه چادرها نیز به وسیله ی ردیف های پیچیده کابل های فولادی و پیچ و مهره به یکدیگر متصل می شوند.



سقف چادرها



تصویر از زیر چادرها و ستونهای نگهدارنده اصلی

کلیسای روی آب، ژاپن
تادائو آندو



تادائو آندو

- متولد اوزاکا- ژاپن ۱۹۴۱
- معماری را نزد خود می آموزد. ۱۹۶۲
- مسافرت هایی به آمریکا، اروپا و آفریقا می نماید. ۱۹۶۹
- در اوزاکا دفتر شخصی اش را دائر می نماید. ۱۹۶۹
- «موج جدید در معماری ژاپن» نمایشگاهی زیر نظر انستیتوی مطالعات معماری و شهرسازی ۱۹۷۸
- شرکت در کنفرانس شارلوت ویل در آمریکا ۱۹۸۲
- دریافت مدال آلوار آلتو و شرکت در نمایشگاه شیکاگو ۱۹۸۵
- دریافت جایزه سالیانه ی وزارت آموزش و پرورش ۱۹۸۶



- شرکت در نمایشگاه «توکیوک شکل و روح» ۱۹۸۶

- استاد مدعو دانشگاه یل در آمریکا ۱۹۸۷

- استاد مدعو دانشگاه کلمبیا ۱۹۸۸

- دریافت دال طلای آکادمی معماران فراسه ۱۹۸۹

تادائو آندو هرگز به مدرسه ی معماری نرفت و معماری را نزد خویشتن
آموخت. اولین کتاب معماری که مطالعه می نماید مجموعه ای از کارهای
لوکوربوزیه در سن بیست سالگی

می باشد.

با تهیدستی و با قطار به مسکو و سپس به فنلاند، اسپانیا و ایتالیا سفر می
کند. به کارهای میکل آنژ و آلوار آلتو علاقمند می گردد و سپس مسافرت
هایی به وین، پاریس و آمریکا می نماید. در این مسافرت ها با مطالعه ی
زندگی مردم و بناها پایه های معماری او شکل
می گیرد.



این جایزه ی معماری که یکی از با ارزش ترین جوایز جهانی می باشد همزمان با تاسیس آکادمی معماران فرانسه از سال ۱۹۶۵ اهداء می گردد. این جایزه همه ساله به طرحی برجسته و سهیم در توسعه ی معماری جهانی اهداء می گردد. قبلاً معمارانی چون آلوار آلتو (۱۹۷۲) کوین روش (۱۹۷۷) آی. ام. پی (۱۹۸۱) کیشو کوروکاو (۱۹۸۶) و لوئیز باراگان (۱۹۸۷) این جایزه را دریافت داشته اند.

این آکادمی آندو را به خاطر نمایش توانایی هایش در خلق فضایی تازه و با مصالح معمولی مثل بتن آرمه، فولاد و شیشه و کوشش هایش در معرفی به مثابه ی عنصر اصلی در ترکیب های معمارانه ی منظم و ساده اش مورد تمجید قرار داده است.

هنگام اهداء جایزه نمایشگاهی نیز از طرح های تادائو آندو همراه با سخنرانی اش در پاریس تشکیل می گردد.





منظره ای از روبروی کلیسا و منطقه هوکایدو



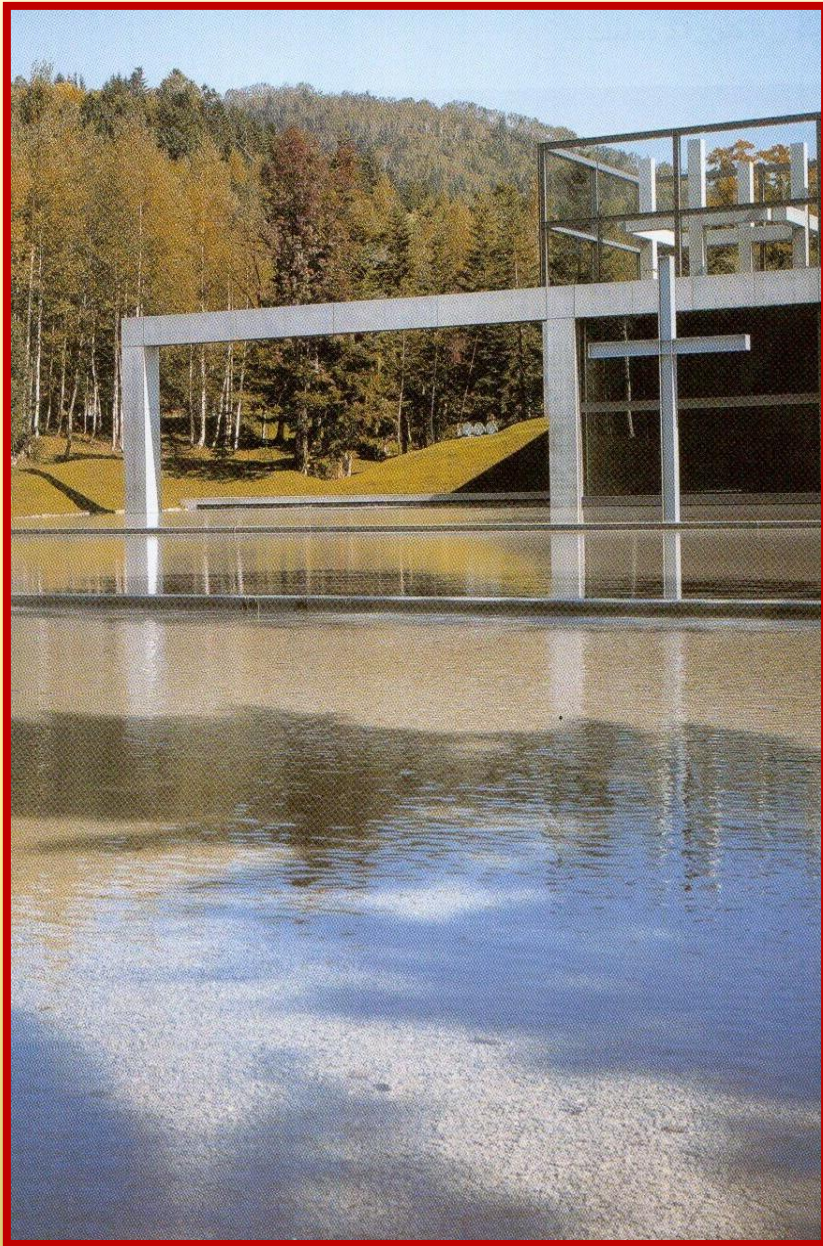
کلیسای روی آب

کلیسای روی آب در جلگه ای در دامنه کوه های شمال شرقی یوباری رنج در هوکایدو قرار گرفته است. از دسامبر تا آوریل منطقه از برف پوشیده شده و فضای وسیع سپید بسیار زیبایی را به وجود می آورد. آب از رودخانه ی نزدیکی منشعب گردیده و تشکیل یک آب نمای ۴۵ × ۹۰ متر را می دهد. عمق آب نما و ریزش آب به گونه ای دقیق طراحی گردیده است که با وزش باد ملایم و حتی نسیم، صدای حرکت آب به آرامی به گوش می رسد. دو مربع یکی به ابعاد ۱۰ متر و در یک طرف و دیگری به ابعاد ۱۵ متر در طرف دیگر در قسمتی از پلان آب نما با یکدیگر مشترک هستند. یک دیوار بتنی به شکل آزاد L نیز آن ها را در بر گرفته است. کسانی که در امتداد ضلع خارجی دیور قدم می زنند، نمی توانند آب نما را ببینند و هنگامی که طول دیوار را طی می کنند و ۱۸۰ درجه بر می گردند برای اولین بار از فضایی که باز است می توانند آب نما را مشاهده نمایند.

همراه با دید به آب نما و شیب ملایم فضایی که از چهار طرف به وسیله ی شیشه احاطه شده است به چشم می خورد. جعبه ایاز نور، در زیر آسمان و با چهار صلیب مجزا قرار گرفته است. دید مستقیم به سوی قاب های شیشه ای، آسمان آبی و غرق در نور طبیعی وجود دارد. از این جا یک پله ی منحنی در فضای تاریک انسان را به کلیسا هدایت کرده و یک آب نمای وسیع روشن، به همراه صلیبی در درون آب به چشم می خورد.

تادائو آندو می گوید: «..... نمای شیشه ای کلیسا به سوی آب نما باز شده، ارتباط مستقیم با طبیعت برقرار گردیده..... خش و خش برگ ها، صدای آب، آواز پرندگان به همراه یکدیگر محیط آرامی را به وجود می آورد. آهنگ ها و مناظر دل نشین و متفاوتی به وسیله ی نور و آب خلق می گردند که این آهنگ ها تا سال های بعد که می آیند ادامه خواهند داشت.





به هر صورت من عقیده دارم که یک فضای مقدس بایستی به نحوی با طبیعت در ارتباط باشد. درک من از طبیعت متفاوت از طبیعت آن طور که هست می باشد.

به عقیده ی من طبیعت که فضای مقدسی است بایستی با طبیعتی که به دست انسان ساخته می شود و یا طبیعتی معمارانه ارتباط پیدا نماید.

همچنین عقیده دارم هنگامی که گیاه، آب، نور یا باد از طبیعت آن طور که هست به میل انسان جدا می شوند به تقدیس نزدیک تر می گردند.....

این اثر از نظر کمیت کوچک و تنها ۵۲۰ متر مربع زیر بنا داشته و در مدت ۵ ماه ساخته می شود در مقایسه با کارهای بزرگی که در سال های ۸۹-۱۹۸۸ در جهان ساخته شده است بسیار کوچک می باشد لیکن با کیفیت عالی و برتر خود موفق به دریافت مدال طلای آکادمی معماران فرانسه می گردد.

ویژگی های اصلی کارهای آندو را در این اثر به خوبی می توان دید: دیوارهای زیبای بتن نمایان، ترکیب های هندسی خالص، احترام به زمینه های فرهنگ سنتی و آمیختن طبیعت با فضای مجرد و داشتن تصویری تازه در مورد زندگی از جمله ویژگی های کلیسای روی آب می باشد.



این نکته قابل ذکر است که طراحی پروژه در مدت ۱۸ ماه انجام شده و ساخت آن ۵ ماه طول کشیده است.
«در این بنای شعر گونه بایستی به جرأت گفت، کاری را که آندو انجام داده است هیچ معمار دیگری تاکنون نکرده است....
نه میکل آنژ، نه برونلسکی، نه ایت، نه لوکور بوزیه، نه میس وندر روه.... همه محراب را بسته اند و برای ایجاد آرامش به نحوی با نور بازی کرده اند.



آندو دیوار را بر می دارد، میزها را بر می چیند و در نهایت سادگی، تنها صلیبی را در درون آب و غرق در طبیعت قرار می دهد.
به جای شیشه های رنگین، برگ های سبز و زرد و نارنجی را جایگزین می نماید و به جای صدای ارگ کلیسا، نغمه ی پرندگان به گوش می رسد.
اگر خوب گوش کنی صدای چکیدن خون مسیح را، در آب ها می شنوی.....»



AT (ADP)

- JEAN- LOUIS COHEN/ MONIQUE ELEB/ ANTONIO MARTINELIL The 20 Century Architecture and Urbanism- PARIS. Ed. J+U-1990-9.
- CHARLES KENCKS: Architecture Today- ED. Academy Edition- LONDON- 1988.
- ALEXANDER TZONIS AND LIANE LEFAIVRE: Architecture in Europe (Since 1968)- T & H, LONDON- 1992.
- FRANCESCO DAL CO: Recent work of Kames stirling & Micjael Wolford. Ed. J + U, 1990-5.
- RENZO OIANO: Building workshop 1964-1988 Ed. J + U- 1989-3.
- WILLIAM JR CURTS: Modern Architecture since 1900- Phaidon- LONDON- 1987.
- ALAN PHILIPS: Leisure and Public Architecture- Rotovision. SWITZERLAND- 1993.
- ANDREA GIEINIGER: pARIS, Contemporary Architecture- Prestel, Munich- 1997.
- TONY ROBBIN: Engineering a NEW Architecture, Yale Uiversity Press- 1996.



- Techniques & Architecture: No368-369-391-402-409.
- Domus: No. 748-753.
- The Architecture Review: No. 1144-1146-1150-1154.
- The Japan Architect: No. (1991-3)- (1993-3)- (1993-4)- 385-386-391-392-393-396.
- Casabella: No. 601-605.
- AW- Architecture + Wettbe Werbe: No. 150-151-153-154-155.
- Architectural Record: No. (1993-7).
- MIMAR: No. 10.



بروشور:

- Grands Travaux- 1993.
- La Grande Arche (TETE DEFENSE)- 1989.
- 423 et Projects pour la tete Defense- 1989.

